کلیسایی

حکمت عیسی پسر سیراخ



مقاله1

1مقدمه حکمت عیسی پسر سیراخ .در حالی که شریعت و انبیا و دیگرانی که از گام های آنها پیروی کرده اند ،چیزهای بسیار و بزرگی به ما داده شده است ، زیرا اسرائیل باید به خاطر آموختن و حکمت آنها ستوده شود .و از این طریق نه تنها خوانندگان باید خود ماهر شوند ،بلکه کسانی که مایل به یادگیری هستند نیز می توانند با گفتن و نوشتن از آنها بیاموزند .و انبیا و سایر کتابهای پدران ما ،و در آن قضاوت نیکو شده بود ،به خود کشیده شد تا چیزی در باب علم و حکمت بنویسد .به این منظور که کسانی که مایل به یادگیری هستند و به این چیزها معتاد هستند ،از زندگی مطابق قانون سود بسیار بیشتری ببرند .از این رو اجازه دهید از شما خواهش کنم که آن را با لطف و توجه بخوانید و ما را ببخشید ،زیرا ممکن است به نظر برسد که برخی از کلماتی که برای تفسیر آنها زحمت کشیدهایم کم داریم .زیرا همان چیزهایی که به زبان عبری گفته می شود و به زبان دیگری ترجمه می شود ،نیروی یکسانی در آنها وجود ندارد :و نه تنها این چیزها ،بلکه خود شریعت و انبیا و بقیه کتب تفاوت کوچکی با هم ندارند .آنها به زبان خودشان صحبت می شوند .زیرا در سال سی و هشتم که به مصر آمدم ،زمانی که اورگتیس پادشاه بود ،و مدتی در آنجا ادامه دادم ،کتابی یافتم که دانش کمی نداشت .با هوشیاری و مهارت فراوان در آن فضا ،کتاب را به پایان برسانیم و آن را برای آنها نیز که در کشوری غریب حاضر به یادگیری هستند ،از قبل آماده کرده اند تا پس از قانون زندگی کنند .تمام حکمت از خداوند می آید و تا ابد با اوست.

2چه کسی میتواند شنهای دریا و قطرات باران و روزهای ابدیت را بشمارد؟

3چه کسی می تواند بلندی آسمان و وسعت زمین و ژرفا و حکمت را دریابد؟

4حکمت قبل از همه چیز آفریده شده است و عقل احتیاط از همیشه.

5کلام خدای متعال سرچشمه حکمت است .و راههای او احکام ابدی است.

6ریشه حکمت برای چه کسی آشکار شده است؟ یا چه کسی از نصایح حکیمانه او آگاه است؟

7دانش حکمت برای چه کسی آشکار شده است؟ و چه کسی تجربه بزرگ او را درک کرده است؟

8یک دانا و بسیار قابل ترس است ،خداوند بر تخت خود نشسته است.

9او را آفرید و دید و او را شمرده و بر همه کارهایش ریخت.

10او با تمام بدن برحسب عطای او است و او او را به دوستدارانش داده است.

11ترس خداوند عزت و جلال و شادی و تاج شادی است.

12ترس خداوند دل را شاد می کند و شادی و شادی و عمر طولانی می بخشد.

13هر که از خداوند بترسد ،سرانجام برای او خوب خواهد شد و در روز مرگش فیض خواهد یافت.

14ترس از خداوند آغاز حکمت است و با مؤمنان در رحم آفریده شد.

15او با مردان بنیانی جاودان بنا کرده است و با نسل آنها خواهد ماند.

16ترس از خداوند کمال حکمت است و مردم را از میوه های خود پر می کند.

17او تمام خانهشان را از چیزهای مطلوب پر میکند ،و انباشتهها را از افزایش خود پر میکند.

18ترس از خداوند تاجی از حکمت است که صلح و سلامتی کامل را شکوفا میکند .که هر دو هدایای خدا هستند و شادی آنها را که او را دوست دارند بیشتر می کند.

19حکمت مهارت و دانش درک ایستادن را میبارد و آنان را به احترام کسانی که او را محکم میدارند تعالی میبخشد.

20ریشه حکمت ترس از خداوند است و شاخههای آن عمر طولانی است.

21ترس خداوند گناهان را از بین میبرد و هر جا هست خشم را از بین میبرد.

22مرد خشمگین را نمی توان توجیه کرد .زیرا نوسان خشم او نابودی او خواهد بود.

23مرد صبور برای مدتی اشک میریزد و پس از آن شادی برای او ظاهر میشود.

24او سخنان خود را برای مدتی پنهان خواهد کرد و لبهای بسیاری حکمت او را بیان خواهد کرد.

25مَثَلهای دانش در خزانههای حکمت است ،اما خداپرستی برای گناهکار مکروه است.

26اگر حکمت میخواهی ،احکام را نگاه دار ،و خداوند آن را به تو خواهد داد.

27زیرا که ترس از خداوند حکمت و تعلیم است و ایمان و فروتنی لذت اوست.

28وقتی فقیر هستی به ترس خداوند بی اعتماد نباش و با دلی دوگانه نزد او نیا.

29در نظر مردم ریاکار مباش و به آنچه می گویی اعتنا کن.

30خودت را تجلیل مکن ،مبادا بیفتی ،و بر جانت رسوائی بیاوری ،و خدا اسرار تو را کشف کند ،و تو را در میان جماعت بیاندازد ،زیرا به راستی نه به ترس خداوند ،بلکه به قلبت رسیدی .پر از فریب است

مقاله2

1پسرم ،اگر برای خدمت خداوند می آیی ،جان خود را برای وسوسه آماده کن.

2دلت را درست کن و دائماً استقامت کن و در زمان سختی شتاب مکن.

3به او بچسبید و دور نشوید تا در آخرین پایان خود افزون شوید.

4هر چه بر تو میآیند با خوشرویی بپذیر و هنگامی که به پستی تبدیل شدی شکیبا باش.

5زیرا که طلا در آتش آزموده میشود و انسانهای مقبول در کوره مصیبت.

6به او ایمان بیاور و او تو را یاری خواهد کرد .راهت را درست کن و بر او توکل کن.

7ای کسانی که از خداوند می ترسید ،منتظر رحمت او باشید .و کنار نروید ،مبادا سقوط کنید.

8ای کسانی که از خداوند می ترسید ،او را باور کنید .و پاداش شما از بین نخواهد رفت.

9ای کسانی که از خداوند می ترسید ،به خیر و شادی و رحمت جاودانی امیدوار باشید.

10به نسلهای قدیم بنگرید و ببینید .آیا تا به حال به خداوند توکل کرد و متعجب شد؟ یا کسی در ترس او ماندگار شد و رها شد؟ یا چه کسی را که او را خوانده بود ،تحقیر کرد؟

11زیرا خداوند سرشار از شفقت و رحمت و شکیبایی و بسیار رحیم است و گناهان را می بخشد و در زمان مصیبت نجات می دهد.

12وای بر دلهای ترسناک و دستهای ضعیف و گناهکاری که دو راه میرود.

13وای بر کسی که دل کند !زیرا او ایمان ندارد .بنابراین نباید از او دفاع کرد.

14وای بر شما که صبر را از دست داده اید !و هنگامی که خداوند شما را ملاقات کند چه خواهید کرد؟

15آنانی که از خداوند می ترسند کلام او را نافرمانی نخواهند کرد .و کسانی که او را دوست دارند راههای او را حفظ خواهند کرد.

16آنانی که از خداوند می ترسند ،آنچه را که برای او پسندیده است ،می جویند .و کسانی که او را دوست دارند از شریعت پر خواهند شد.

17آنانی که از خداوند می ترسند دلهای خود را آماده خواهند کرد و جان خود را در نظر او فروتن خواهند کرد.
18میگوید» :به دست خداوند میافتیم ،نه به دست مردم ،زیرا چنانکه جلالت اوست ،رحمت او نیز چنین است.

مقاله3

1ای فرزندان ،پدر خود را به من بشنوید و پس از آن عمل کنید تا در امان باشید.
2زیرا خداوند پدر را بر فرزندان عزت داده و اقتدار مادر را بر پسران ثابت نموده است.
3هر که پدر خود را گرامی می دارد ،کفاره گناهان خود را می دهد.
4و کسی که به مادر خود احترام می گذارد مانند کسی است که گنج جمع می کند.
5هر که به پدر خود احترام بگذارد ،از فرزندان خود لذت خواهد برد .و چون دعای خود را بجا آورد ،مستجاب خواهد شد.
6هر که به پدر خود احترام بگذارد عمر طولانی خواهد داشت .و کسی که از خداوند اطاعت کند مایه آرامش مادرش خواهد بود.
7کسی که از خداوند می ترسد ،پدر خود را گرامی می دارد و به پدر و مادر خود مانند اربابان خود خدمت خواهد کرد.
۸پدر و مادرت را در گفتار و کردار گرامی بدار تا برکتی از جانب ایشان بر تو نازل شود.
9زیرا برکت پدر خانههای فرزندان را استوار میسازد .اما نفرین مادر پایه ها را ریشه کن می کند.
10با بی حرمتی پدرت جلال مکن .زیرا آبروی پدرت برای تو مایه جلال نیست.
11زیرا جلال انسان از آبروی پدرش است .و مادر بی آبرو برای فرزندان مایه سرزنش است.
12پسرم ،پدرت را در سن او یاری کن و تا زمانی که زنده است او را غمگین مکن.
13و اگر عقل او از بین رفت ،با او شکیبا باشید .و او را تحقیر مکن در حالی که در تمام توانت هستی.
14زیرا آسودگی پدرت فراموش نخواهد شد و به جای گناهان برای آبادانی تو افزوده خواهد شد.
15در روز مصیبت تو یاد خواهد شد .گناهان تو نیز مانند یخ در هوای گرم آب خواهند شد.
16کسی که پدر خود را ترک میکند ،کفرگو است .و هر که مادرش را به خشم آورد ملعون است :از خدا.
17پسرم ،با نرمی به تجارت خود ادامه بده .پس از آن کسی که مورد تایید است محبوب خواهی بود.
18هر چه بزرگتر باشی ،فروتنتر میشوی و در حضور خداوند فیض خواهی یافت.
19بسیاری در مکانهای بلند و مشهور هستند ،اما اسرار برای حلیمها آشکار میشود.
20زیرا قدرت خداوند بزرگ است و او نزد افراد فرومایه مورد احترام است.
21به دنبال چیزهایی نباش که برای تو سخت است و چیزهایی را که بالاتر از توان توست جستجو نکن.
22اما آنچه به تو دستور داده شده است ،در مورد آن با احترام فکر کن ،زیرا برای تو لازم نیست که چیزهای پنهان را با چشمان خود ببینی.
23در امور غیرضروری کنجکاو مباش ،زیرا چیزهای بیشتری به تو نشان داده می شود تا مردم بفهمند.
24زیرا بسیاری از نظر بیهوده خود فریب خورده اند .و ظن بد ،داوری آنها را بر باد داده است.
25تو بدون چشم روشنایی را میخواهی؛ پس دانشی را که نداری اقرار مکن.
26دل سرسخت در نهایت بدی را خواهد دید .و کسی که خطر را دوست دارد در آنجا هلاک خواهد شد.
27دل لجوج مملو از غم و اندوه خواهد بود .و مرد شریر گناه را بر گناه انباشته خواهد کرد.
28در عذاب مغرور چاره ای نیست .زیرا گیاه شرارت در او ریشه دوانده است.
29دل عاقل مَثَل را خواهد فهمید .و گوش حواس ،آرزوی عاقل است.
30آب آتش شعله ور را خاموش می کند .و صدقه کفاره گناهان است.
31. و هر کس نیکی را جزا میدهد ،از آنچه ممکن است آینده باشد ،آگاه است .و چون بیفتد ،جا خواهد یافت.

مقاله4

1پسرم ،فقیران را فریب مکن و چشمان نیازمند را در انتظار طولانی مکن.
2جان گرسنه را اندوهگین مکن .نه مردی را در پریشانی خود تحریک کنید.
3بر دلی که مضطرب است دردسر بیشتری اضافه نکنید .و به تأخیر نیندازید که به او که نیازمند است.
4دعای مصیبت زده را رد نکنید .روی خود را از فقیر برنگردان.
۵چشمت را از فقیر برگردان و به او فرصتی نده که تو را لعنت کند.
6زیرا اگر در تلخی جانش تو را لعنت کند ،دعایش از کسی که او را ساخته است شنیده خواهد شد.
۷محبت جماعت را به خود جلب کن و سر خود را در برابر مرد بزرگ خم کن.
8تو را غمگین نساز که گوش خود را به فقیر خم کنی و با نرمی به او پاسخی دوستانه بدهی.
9ستمگر را از دست ستمگر رهایی بخش .و هنگامی که به قضاوت می نشینی غمگین مباش.
10برای یتیمان مثل پدر باش و برای مادرشان به جای شوهر ،پس مثل پسر حق تعالی باش و او تو را بیشتر از مادرت دوست خواهد داشت.
11حکمت فرزندان خود را تعالی میبخشد و آنانی را که او را میطلبند میگیرد.
12هر که او را دوست دارد زندگی را دوست دارد .و کسانی که زودتر او را می جویند از شادی لبریز خواهند شد.
13هر که او را روزه بگیرد جلال را به ارث خواهد برد .و هر جا که او وارد شود ،خداوند برکت خواهد داد.
14آنانی که او را خدمت میکنند ،قدوس را خدمت خواهند کرد و آنانی را که او را دوست دارند ،خداوند دوست میدارد.
15هر که به او گوش دهد ،قوم ها را داوری خواهد کرد و هر که او را توجه کند ،در امنیت ساکن خواهد شد.
16اگر مردی به او متعهد شود ،او را به ارث خواهد برد .و نسل او را در اختیار خواهند داشت.
17زیرا ابتدا با او از راههای کج راه خواهد رفت و ترس و وحشت را بر او وارد میسازد و با تأدیب خود او را عذاب میدهد تا به جان او اعتماد کند و او را بر اساس قوانین خود بیازماید.
18سپس راه مستقیم را نزد او باز میگرداند و او را دلداری میدهد و اسرار خود را به او نشان میدهد.
19اما اگر او اشتباه کند ،او را ترک خواهد کرد و او را به تباهی خود خواهد سپرد.
20فرصت را مشاهده کنید و از شر بپرهیزید .و در مورد روحت خجالت نکش.
21زیرا شرم است که گناه می آورد .و شرمی است که جلال و فضل است.
22کسی را بر جان خود نپذیر ،و مبادا حرمت کسی باعث سقوط تو شود.
23و در مواقعی که فرصتی برای نیکی کردن وجود دارد از سخن گفتن خودداری کن و حکمت خود را در زیبایی او پنهان مکن.

24زیرا که از گفتار حکمت شناخته خواهد شد و آموختن از کلام زبان.
25به هیچ وجه بر خلاف حقیقت صحبت نکنید .اما از خطای نادانی خود شرمنده باش.
26از اعتراف به گناهان خود خجالت نکش .و مسیر رودخانه را مجبور نکنید.
27خودت را زیر دست مرد احمق مباش .شخص قدرتمندان را قبول نکنید.
28برای حقیقت تا حد مرگ تلاش کن و خداوند برای تو خواهد جنگید.
29در زبان خود عجله مکن و در کردار خود سست و کوتاهی مکن.
30در خانه خود مانند شیر مباش و در میان بندگانت دیوانه نباش.
31مبادا دستت برای دریافت دراز شود و هنگامی که باید جبران کنی ببند.

مقاله5

1دلت را به اموالت معطوف نکن .و نگو ،من برای زندگیم کافی دارم.
2از عقل و قوت خود پیروی مکن تا در راههای دلت گام برداری.
3و نگویید که چه کسی مرا به خاطر اعمالم تحت کنترل خواهد داشت؟ زیرا خداوند حتماً انتقام غرور تو را خواهد گرفت.
4نگویید من گناه کرده ام و چه بلایی بر سر من آمده است؟ زیرا خداوند صبور است ،هرگز تو را رها نخواهد کرد.
5در مورد کفاره ،بی ترس نباشید که گناه را بر گناه بیفزایید:
6و نگویید که رحمت او بزرگ است .او به خاطر کثرت گناهان من آرام خواهد شد ،زیرا رحمت و غضب از او میآید و خشم او بر گناهکاران میآید.
7در بازگشت به خداوند تعلل مکن و روز به روز معطل مکن ،زیرا ناگهان غضب خداوند ظاهر خواهد شد و در امنیت خود هلاک خواهی شد و در روز انتقام هلاک خواهی شد.
8به اموالی که به ناحق به دست آوردهای دلت مکن ،زیرا در روز مصیبت برای تو سودی نخواهد داشت.
9با هر بادی پیروز نشوید و به هر طریقی نروید ،زیرا گناهکاری که دوزبان دارد نیز چنین می کند.
10در عقل خود ثابت قدم باش .و کلام تو هم همینطور باشد.
11در شنیدن سریع باشید .و بگذار زندگیت خالصانه باشد .و با صبر جواب بده
12اگر عقل داری ،به همسایه خود پاسخ بده .اگر نه ،دستت را بر دهانت بگذار.
۱۳آبرو و شرم در سخن است و زبان انسان سقوط اوست.
14نجواگر نامیده نشو و با زبانت کمین مکن زیرا که دزد شرمساری است و بر زبان دوگانه محکومیت بد.
15از هیچ چیز در امر بزرگ یا کوچک غافل مباش.

مقاله6

1به جای دوست ،دشمن نباش .زیرا به این وسیله نام بد ،شرم و سرزنش را به ارث خواهی برد.
2خود را به نصیحت دل خود تمجید مکن .تا روحت مثل گاو نر تنها پاره نشود.
3برگهایت را بخوری و میوه ات را از دست بدهی و خود را مانند درختی خشک رها کنی.
4شریر کسی را که آن را دارد هلاک میکند و دشمنانش را به تمسخر میکشد.
۵زبان شیرین دوستان را زیاد میکند و زبان عادلانه ،احوالپرسی را زیاد میکند.
6با بسیاری در صلح باشید ،اما فقط یک مشاور از هزار نفر داشته باشید.
7اگر دوستی پیدا کردی ،ابتدا او را ثابت کن و در اعتبار دادن به او عجله نکن.
8زیرا کسی برای موقعیت خود دوست است و در روز مصیبت تو نخواهد ماند.
9و دوستی هست که به دشمنی روی آورد و نزاع ،سرزنش تو را کشف خواهد کرد.
10باز هم دوستی بر سر سفره همنشین است و در روز مصیبت تو ادامه نخواهد داشت.
11اما در سعادت تو مانند خودت خواهد بود و بر بندگانت شجاع خواهد بود.
12اگر تو را تحقیر کنند ،او بر ضد تو خواهد بود و خود را از چهره تو پنهان خواهد کرد.
13از دشمنانت جدا شو و مراقب دوستانت باش.
14دوست وفادار دفاعی استوار است و هر که چنین کسی را یافته است گنجی یافته است.
15هیچ چیز بر یک دوست وفادار خنثی نمی کند و عالیجناب او بسیار ارزشمند است.
16دوست وفادار داروی زندگی است .و کسانی که از خداوند می ترسند او را خواهند یافت.
17هر که از خداوند می ترسد ،دوستی خود را درست خواهد کرد ،زیرا که او هست ،همسایه او نیز خواهد بود.
18پسرم ،از جوانی خود تعلیم جمع کن ،پس تا پیری حکمت خواهی یافت.
19مانند کسی که شخم میزند و میکارد ،نزد او بیایید و منتظر میوههای خوب او باشید ،زیرا برای او زحمت زیادی نخواهید کشید ،بلکه به زودی از میوههای او خواهید خورد.
20او برای نادانان بسیار ناخوشایند است :کسی که بیفهم باشد با او نخواهد ماند.
21او مانند سنگ آزمایشی عظیم بر او خواهد خوابید .و پیش از آنکه طولانی شود او را از او دور خواهد کرد.
22زیرا حکمت بر حسب نام اوست و بر بسیاری آشکار نیست.
۲۳ای پسرم گوش کن ،نصیحت مرا بپذیر و نصیحت مرا رد مکن،
24و پاهایت را در بند او و گردنت را در زنجیر او بگذار.
25شانه خود را خم کن و او را تحمل کن و با بندهای او غمگین مباش.
26با تمام قلب خود نزد او بیا و راههای او را با تمام قدرت خود حفظ کن.
27بگرد و بجو ،و او به تو نشان داده خواهد شد.
28زیرا در نهایت آرامش او را خواهی یافت و این به شادی تو تبدیل خواهد شد.
29آنگاه غل و زنجیر او برای تو دفاع مستحکم و زنجیر او ردای جلال خواهد بود.
30زیرا بر او زینتی طلایی است و نوارهایش توری ارغوانی است.
31او را به عنوان ردای افتخار بر تن کن و او را به عنوان تاج شادی در اطراف خود قرار ده.
32پسرم ،اگر بخواهی ،به تو تعلیم داده خواهد شد ،و اگر بخواهی ذهن خود را به کار بگیری ،عاقل باش.

33اگر شنیدن را دوست داری ،فهم خواهی یافت ،و اگر گوش خود را خم کنی ،عاقل خواهی بود.
34در انبوه مشایخ بایستید .و به دانا بچسب.
35مایل باشید هر گفتار خدایی را بشنوید .و مَثَل های عقل از تو دوری نکند.
36و اگر مرد فهیمی دیدی ،زودتر نزد او برو ،و بگذار پایت پلههای درب او را بپوشد.
37ذهنت را بر احکام خداوند معطوف کن و پیوسته در احکام او تفکر کن.

مقاله7

1بدی نکن ،تا به تو آسیبی نرسد.
2از ظالم دور شو ،و گناه از تو دور خواهد شد.
3پسرم ،بر شیارهای ظلم بکار و آنها را هفت برابر درو نکن.
4از خداوند برتری طلبید ،و نه از پادشاه ،جایگاه افتخار.
5خود را در حضور خداوند عادل گردان .و به حکمت خود در حضور پادشاه فخر مکن.
6در پی قضاوت نباشید ،زیرا قادر به رفع گناه نیستید .مبادا از شخص قدرتمند بترسی ،که مانعی بر سر راه راستی تو باشد.
7بر انبوه شهرها توهین مکن و خودت را در میان مردم نینداز.
8گناهی را به گناه دیگر نبندید .زیرا در یکی بی مجازات نخواهی ماند.
٩نگو که خدا به کثرت هدایای من نگاه خواهد کرد و وقتی به خدای متعال تقدیم کنم ،او آن را خواهد پذیرفت.
10هنگام اقامه نماز غمگین مباش و از صدقه دادن غافل نشو.
١١کسی را نخندید که در تلخی جان خود را تحقیر کنید ،زیرا کسی است که فروتن و تعالی می بخشد.
12بر برادرت دروغ مانديش .با دوستت همچین کاری نکن
13به هیچ وجه دروغ نگویید زیرا رسم آن خوب نیست.
14در انبوه بزرگان از کلمات زیاد استفاده نکنید و هنگام دعا زیاد غرغر نکنید.
15از کار پرزحمت متنفر نباشید ،و نه از دامپروری که حق تعالی مقرر کرده است.
16خود را در میان انبوه گناهکاران شمرد ،بلکه به خاطر داشته باش که خشم دیری نخواهد ماند.
17خود را بسیار فروتن کن ،زیرا انتقام ستمکاران آتش و کرم است.
18به هیچ وجه دوست خود را به هیچ وجه به خوبی تغییر ندهید .نه برادر وفادار برای طلای اوفیر.
19از زن دانا و نیکوکار چشم پوشی نکنید ،زیرا فیض او از طلا بالاتر است.
20در حالی که بنده تو به راستی کار می کند ،از او بدی نکن ،و نه اجیری که تماماً خود را برای تو می بخشد.
21بگذار جان تو غلام نیکو را دوست داشته باشد و آزادی او را فریب مکن.
22آیا شما گاو دارید؟ به آنها توجه داشته باش و اگر به نفع توست ،آنها را نزد خود نگه دار.
23آیا شما فرزند دارید؟ آنها را تعلیم ده و از جوانی گردنشان را خم کن.
24آیا شما دختر دارید؟ مواظب بدن آنها باش و خودت را نسبت به آنها شاد نشان نده.
25دخترت را به عقد خود درآور ،و به این ترتیب کار سنگینی انجام خواهی داد ،اما او را به مرد فهیم بسپار.
26آیا به خاطر عقلت همسری داری؟ او را رها مکن ،اما خودت را به یک زن سبک تسلیم مکن.
27پدرت را با تمام دل گرامی بدار و غم و اندوه مادرت را فراموش مکن.
28به یاد داشته باش که تو از آنها زاده شدی .و چگونه می توانی آنچه را که برای تو انجام داده اند به آنها پاداش دهی؟
29از خداوند با تمام جان خود بترس و از کاهنان او حرمت کن.
30او را که تو را با تمام قوت آفرید دوست بدار و خادمان او را رها مکن.
31از خداوند بترسید و کاهن را گرامی بدارید .و سهم او را همانگونه که به تو امر شده است به او بده .اولین میوه ها و قربانی گناه و هدیه شانه ها و قربانی تقدیس و اولین میوه های مقدس.
32و دست خود را به سوی فقرا دراز کن تا برکت تو کامل شود.
33هدیه در نظر هر زندهای فیض دارد .و برای مردگان آن را بازداشت نکنید.
34با گریه کنندگان نباشید و با آنان که ماتم میکنند ماتم بگیرید.
35در عیادت بیمار دیر مباش ،زیرا این امر تو را محبوب خواهد کرد.
36هر چه در دست گرفتی ،پایان را به خاطر بسپار ،و هرگز اشتباه نخواهی کرد.

مقاله8

1با مرد نیرومند مبارزه مکن که به دست او بیفتی.
2با مرد ثروتمند مخالفت نکن ،مبادا او بر تو سنگینی کند ،زیرا طلا بسیاری را هلاک کرده و دل پادشاهان را منحرف کرده است.
3با مردی که زبانش پر است مجادله مکن و هیزم را بر آتش او جمع مکن.
4با مرد گستاخ شوخی نکن ،مبادا اجدادت رسوا شوند.
5کسی را که از گناه برمیگردد سرزنش مکن ،بلکه به یاد داشته باش که همه ما شایسته مجازات هستیم.
6مردی را در دوران پیری خود بیحرمت نکنید ،زیرا حتی برخی از ما پیر میشویم.
٧از این که بزرگترین دشمنت مرده است خوشحال نشو ،بلکه به یاد داشته باش که همه ما می میریم.
8گفتار خردمندان را تحقیر مکن ،بلکه خود را با امثال آنها آشنا کن ،زیرا از آنها آموزه خواهی آموخت و چگونه به مردان بزرگ خدمت کنی.
9گفتار بزرگان را از دست ندهید ،زیرا آنها نیز از پدران خود آموختند ،و شما از آنها فهم خواهید آموخت ،و در صورت نیاز پاسخ دهید.
10زغالهای گناهکار را برافروخت ،مبادا با شعله آتش او بسوزی.
11از حضور مجرم خشمگین نشو ،مبادا او در کمین باشد تا تو را در کلام تو گرفتار کند.
12به کسی که از خودت قویتر است قرض مکن .زیرا اگر به او قرض دادی ،آن را بشمار ،اما باخت.
13بیش از قدرت خود ضامن مباش ،زیرا اگر ضامن هستی ،در پرداخت آن مواظب باش.
14با قاضی به دادگاه نروید .زیرا برحسب عزت او برای او داوری خواهند کرد.
15با شخص جسور در راه سفر نکن ،مبادا او بر تو غمگین شود ،زیرا او مطابق میل خود عمل خواهد کرد و تو به واسطه حماقت او با او هلاك خواهي شد.

16با مرد خشمگین مجادله مکن و با او به جای خلوت نرو زیرا که خون در نظر او چیزی نیست و در جایی که کمکی نباشد تو را سرنگون خواهد کرد.
17با احمق مشورت مکن .زیرا او نمی تواند نصیحت را حفظ کند.
18در حضور غریبه هیچ چیز پنهانی نکنید .زیرا تو نمی دانی او چه خواهد آورد.
19دل خود را به روی هر کس باز مکن ،مبادا تو را با نگاهی زیرکانه مجازات کند.

مقاله9

1بر زن بغلت حسادت مکن و به او عبرت بدی نسبت به خود نده.
2جان خود را به زنی نده تا پای خود را بر مال تو بگذارد.
3با فاحشه ملاقات نکن ،مبادا در دام او بیفتی.
4از معاشرت با زنی که خواننده است زیاد استفاده نکنید ،مبادا از تلاش او گرفتار شوید.
5به کنیزک خیره مکن تا به چیزهایی که در او گرانبها است نیفتی.
6جان خود را به فاحشه ها نده تا ارث خود را از دست ندهی.
۷در کوچههای شهر به اطراف خود نگاه نکن و در خلوت آن سرگردان نباش.
8چشم خود را از زن زیبا دور کن و به زیبایی دیگری نگاه مکن .زیرا بسیاری فریب زیبایی یک زن را خورده اند .زیرا از این طریق عشق مانند آتش افروخته می شود.
9اصلاً با زن مرد دیگری ننشین و با او در آغوشت ننشین و پولت را با او در شراب خرج مکن .مبادا دلت به سوی او متمایل شود و به این ترتیب به خاطر آرزوی خود به هلاکت بیفتی.
10دوست قدیمی را رها نکن .زیرا نو با او قابل مقایسه نیست :دوست جدید مانند شراب نو است .وقتی کهنه شد ،آن را با لذت بنوشید.
۱۱به جلال گناهکار حسادت مکن ،زیرا نمیدانی عاقبت او چه خواهد بود.
12از چیزی که بی خدا از آن لذت می برد ،لذت نبر .اما به یاد داشته باشید که آنها بدون مجازات به قبر خود نمی مانند.
13خود را از مردی که قدرت کشتن دارد دور نگه دار .پس در ترس از مرگ شک نکن و اگر نزد او آمدی ،عیب نکن ،مبادا جان تو را در همان لحظه از بین ببرد .به یاد داشته باش که در میان دام ها می روی و در جنگ های شهر قدم می زنی.
14تا جایی که می توانی ،همسایه خود را حدس بزن و با خردمندان مشورت کن.
15گفتار تو با خردمندان باشد و همه سخنت در شریعت حضرت عالی باشد.
16و مردم عادل با تو بخورند و بنوشند .و جلال تو از ترس خداوند باشد.
17بهخاطر دست سازنده ،عمل ستوده خواهد شد ،و فرمانروای حکیم قوم به جهت گفتارش.
18مرد بد زبان در شهر خود خطرناک است .و کسی که در گفتار عجول باشد منفور خواهد بود.

مقاله10

۱قاضی حکیم قوم خود را تعلیم خواهد داد .و حکومت مرد عاقل خوب دستور داده شده است.
2همانطور که قاضی قوم خود است ،افسران او نیز چنین هستند .و فرمانروای شهر چگونه انسان است ،همه ساکنان آن چنین هستند.
3پادشاه نادان قوم خود را هلاک میکند .اما از طریق احتیاط صاحبان قدرت شهر ساکن خواهد شد.
4قدرت زمین در دست خداوند است و در وقت معین ،سودمند را بر آن قرار خواهد داد.
5سعادت انسان به دست خداست و او عزت خود را بر شخص کاتب خواهد گذاشت.
6برای هر گناهی از همسایه خود متنفر نباش .و با اعمال زیان آور هیچ کاری انجام ندهید.
7غرور در پیشگاه خدا و انسان منفور است و هر دو مرتکب گناه می شوند.
۸به دلیل رفتارهای ناعادلانه ،آسیبها و ثروتهایی که با فریب به دست آمدهاند ،پادشاهی از قومی به قوم دیگر منتقل میشود.
9چرا زمین و خاکستر مغرور است؟ هیچ چیز بدتر از مرد طمع نیست .زیرا تا زنده است روده های خود را دور می اندازد.
10پزشک بیماری طولانی را قطع می کند .و کسی که امروز پادشاه باشد ،فردا خواهد مرد.
11زیرا هنگامی که انسان بمیرد ،وارث خزندگان ،حیوانات و کرمها خواهد بود.
12آغاز غرور زمانی است که شخص از خدا دور شود و دلش از خالق خود دور شود.
13زیرا که غرور آغاز گناه است ،و هر که آن را دارد ،مکروهات را خواهد ریخت .بنابراین خداوند مصیبتهای عجیبی را بر ایشان آورد و آنها را کاملاً برانداخت.
14خداوند تاج و تخت شاهزادگان مغرور را فرو ریخته و فروتنان را به جای ایشان برپا کرده است.
15خداوند ریشههای امتهای مغرور را چیده و افراد پست را به جای آنها کاشته است.
16خداوند کشورهای امتها را ویران کرد و آنها را تا پایه های زمین ویران کرد.
17او برخی از آنها را برداشته ،آنها را هلاک کرد و یادگار آنها را از روی زمین محو کرد.
18نه غرور برای مردان ساخته شد و نه خشم شدید برای آنانی که از زن زاده شده اند.
19آنانی که از خداوند می ترسند بذر مطمئنی هستند و آنانی که او را دوست دارند نباتی محترمند .کسانی که از احکام تجاوز می کنند ،نطفه فریبنده ای هستند.
20در میان برادران ،کسی که سرآمد است ،محترم است .کسانی که در نظر او از خداوند می ترسند نیز چنین هستند.
21ترس خداوند پیش از کسب قدرت است ،اما زشتی و غرور از دست دادن آن است.
22خواه ثروتمند ،نجیب یا فقیر باشد ،جلال آنها از ترس خداوند است.
23خوار شمردن فقیری که عقل دارد شایسته نیست .بزرگ کردن مرد گناهکار هم راحت نیست.
24مردان بزرگ و قضات و صاحبان قدرت مورد احترام قرار خواهند گرفت .اما هیچ یک از آنها بزرگتر از کسی نیست که از خداوند می ترسد.
25آزادگان به بنده ای که حکیم است خدمت می کنند ،و کسی که دانش دارد ،وقتی اصلاح شود کینه ای نخواهد داشت.
26در انجام کار خود غافل نباشید .و در زمان تنگی خود به خود فخر مکن.
۲۷کسی که زحمت میکشد و در همه چیز زیاد میشود ،بهتر از کسی است که خود را فخر میکند و نان میخواهد.
28پسرم ،جان خود را در فروتنی جلال بده و برحسب وقارش به او عزت بده.
29چه کسی کسی را که به نفس خود گناه می کند عادل خواهد کرد؟ و چه کسی کسی را که جان خود را بیحرمت میکند ،گرامی خواهد داشت؟
30فقیر به خاطر مهارتش مفتخر است و ثروتمند به خاطر ثروتش.
31کسی که در فقر شرافت دارد ،چقدر در غنا؟ و آن که در ثروت بی شرف است ،در فقر چقدر بیشتر؟

مقاله11

1حکمت سر کسی را که پست است بالا میبرد و او را در میان مردان بزرگ مینشیند.
2انسان را به خاطر زیباییاش تحسین مکن .از مردی به خاطر ظاهرش متنفر نباش.
3زنبور عسل در میان مگس ها کم است .اما میوه او راس چیزهای شیرین است.
4از لباس و جامهات فخر مکن و در روز عزّت خود را سرافرازی مکن ،زیرا اعمال خداوند شگفتانگیز است و اعمال او در میان مردم پنهان است.
5بسیاری از پادشاهان بر زمین نشستهاند .و کسی که هرگز به آن فکر نمی شد تاج بر سر گذاشته است.
6بسیاری از مردان نیرومند بسیار رسوا شدهاند .و محترم به دست مردان دیگر تحویل داده شد.
7قبل از اینکه حقیقت را بررسی کنی سرزنش مکن ،اول درک کن ،سپس توبیخ کن.
8قبل از اینکه علت را نشنیدهای جواب مکن و سخنان را در میان سخنانشان قطع مکن.
9در موردی که به تو مربوط نمی شود ،مبارزه نکن .و با گناهکاران به داوری ننشین.
10پسرم ،در بسیاری از امور مداخله مکن ،زیرا اگر زیاد مداخله کنی ،بی گناه نخواهی بود .و اگر دنبال کنی ،نه به دست می آوری و نه با فرار می گریزی.
11یکی است که زحمت می کشد ،درد می کشد ،و عجله می کند ،و بسیار عقب تر است.
12باز هم ،دیگری وجود دارد که کند است و به کمک نیاز دارد ،توانایی ندارد و سرشار از فقر است .با این حال ،چشم خداوند به خوبی به او نگریست و او را از جایگاه پست خود بیرون آورد،
13و سر خود را از بدبختی بلند کرد .به طوری که بسیاری از کسانی که آن را دیدند از او شگفت زده شدند.
14سعادت و بدبختی ،زندگی و مرگ ،فقر و ثروت از خداوند میآیند.
15حکمت و دانش و درک شریعت از خداوند است و محبت و راه کارهای نیک از اوست.
16گمراهی و تاریکی با گناهکاران آغاز شد و شر با کسانی که در آن شکوه میکنند پیر خواهد شد.
17عطای خداوند نزد پرهیزگاران باقی میماند و لطف او برای همیشه سعادت میآورد.
18کسی است که از احتیاط و نیشگون گرفتن خود ثروتمند میشود و این سهم پاداش اوست.
19و او میگوید» :آرامش یافتهام و اکنون پیوسته از اموال خود خواهم خورد .و با این حال او نمی داند چه زمانی بر او خواهد رسید و باید آن چیزها را به دیگران واگذار کند و بمیرد.
20در عهد خود ثابت قدم باش و در آن آگاه باش و در کار خود پیر شو.
21از کارهای گناهکاران تعجب نکنید .اما بر خداوند توکل کن و در کار خود بمان ،زیرا در نظر خداوند آسان است که یک فقیر را ناگهان ثروتمند کنیم.
22برکت خداوند در پاداش پرهیزگاران است و ناگهان برکت خود را شکوفا میکند.
23نگویید خدمت من چه سودی دارد؟ و از آخرت چه چیزهای خوبی خواهم داشت؟
24باز هم نگویید که من به اندازه کافی هستم و چیزهای زیادی دارم و بعد از آن چه بدی خواهم داشت؟
25در روز سعادت ،فراموشی مصیبت است ،و در روز مصیبت دیگر یاد سعادت نیست.
26زیرا در روز مرگ برای خداوند آسان است که انسان را بر اساس راههایش پاداش دهد.
27مصیبت ساعتی انسان لذت را فراموش میکند و در پایان او اعمالش کشف میشود.
۲۸کسی را که قبل از مرگش برکت داده شده قضاوت نکنید ،زیرا مرد در فرزندانش شناخته خواهد شد.
29هرکس را به خانه خود نیاورید زیرا که فریبکار قطارهای زیادی دارد.
30مانند کبک گرفته شده و در قفس ،قلب متکبران نیز چنین است .و مانند جاسوسی مراقب سقوط توست.
31زیرا او در کمین مینشیند و نیکی را به بدی تبدیل میکند و در چیزهای شایسته ستایش تو را سرزنش میکند.
32از جرقه آتش انبوهی از زغالها افروخته میشود و انسان گناهکار در انتظار خون است.
33مواظب انسان شرور باش ،زیرا او شرارت می کند .مبادا بر تو لکه ابدی بیاورد.
34غریبهای را به خانهات بپذیر تا تو را مضطرب سازد و تو را از مال خودت دور سازد.

مقاله12

1هنگامی که می خواهی نیکی کنی ،بدان که آن را به چه کسی می کنی .پس باید به خاطر فوایدت شکرگزاری کرد.
2به انسان پرهیزکار نیکی کن تا پاداشی خواهی یافت .و اگر از او نیست ،از آن حضرت عالی است.
3هیچ خیری نصیب کسی نمیشود که همیشه به بدی مشغول است ،و کسی که صدقه نمیدهد.
4به انسان خداپرست بده و گناهکار را یاری مکن.
5به کسی که فرومایه است نیکی کن ،اما به بی دین نده ،نان خود را دریغ کن ،و به او نده ،مبادا بر تو مسلط شود ،زیرا در غیر این صورت بدی دو برابر در برابر همه خوبی هایی که خواهی داشت دریافت خواهی کرد .با او انجام شد.
6زیرا که اعلی از گناهکاران متنفر است ،و انتقام خود را از بی خدایان خواهد داد ،و آنها را در برابر روز عظمت مجازاتشان نگاه می دارد.
7به نیکوکاران بدهید و گناهکار را یاری مکن.
8دوست را در سعادت نمیتوان شناخت ،و دشمن را نمیتوان در سختی پنهان کرد.
9در سعادت انسان ،دشمنان اندوهگین میشوند ،اما در مصیبت او ،حتی یک دوست نیز خواهد رفت.
10هرگز به دشمن خود اعتماد مکن ،زیرا مانند آهن زنگ میزند ،شرارت او نیز مانند آهن زنگ میزند.
11اگر چه او خود را فروتن می کند و خمیده می شود ،با این حال مراقب او باشید و از او برحذر باشید ،و چنان با او رفتار خواهید کرد که گویی عینک را پاک کرده اید ،و خواهید دانست که زنگ او به کلی پاک نشده است.
12او را نزد خود قرار نده ،مبادا هنگامی که تو را سرنگون کرد ،به جای تو بایستد .مبادا او در دست راست تو بنشیند ،مبادا بخواهد بر صندلی تو بنشیند و تو در آخر سخنان مرا به خاطر بسپاری و با آن خراشیده شوی.
13چه کسی به افسونگر که مار گزیده شده باشد ،یا مانند حیوانات وحشی ،ترحم خواهد کرد؟
14پس کسی که نزد گناهکار رفته و در گناهان خود با او نجس شود ،چه کسی ترحم خواهد کرد؟
15او برای مدتی با تو خواهد ماند ،اما اگر تو شروع به سقوط کنی ،او درنگ نخواهد کرد.
16دشمن با لبهای خود شیرین سخن می گوید ،اما در دل می اندیشد که چگونه تو را در گودالی بیندازد :با چشمان خود گریه می کند ،اما اگر فرصت پیدا کند ، به خون سیر نمی شود.
17اگر مصیبت به تو رسید ،ابتدا او را در آنجا خواهی یافت .و اگر چه وانمود می کند که به تو کمک می کند ،اما تو را تضعیف خواهد کرد.
18او سر خود را تکان خواهد داد و دستهای خود را کف خواهد زد و بسیار نجوا خواهد کرد و چهره خود را تغییر خواهد داد.

مقاله13

1هر که زمین را لمس کند با آن نجس خواهد شد .و کسی که با مرد مغرور شراکت داشته باشد ،مانند او خواهد بود.
2تا زمانی که زندگی میکنی ،خود را بیش از توان خود بار نکن .و با کسی که قویتر و ثروتمندتر از خودت است ،شراکت نداشته باش ،زیرا که قوری و دیگ سفالی چگونه با هم همخوانی دارند؟ زیرا اگر یکی به دیگری کوبیده شود ،شکسته خواهد شد.
3ثروتمند بد کرده است ،اما تهدید میکند :فقیر ظلم میشود ،و او نیز باید دعا کند.
4اگر به نفع او باشی ،از تو استفاده خواهد کرد ،اما اگر چیزی نداشته باشی ،تو را ترک خواهد کرد.
5اگر چیزی داشته باشی ،او با تو زندگی میکند ،آری ،تو را برهنه میکند و برای آن پشیمان نخواهد شد.
6اگر او به تو نیاز داشته باشد ،تو را فریب داده ،به تو لبخند خواهد زد و تو را امیدوار خواهد کرد .او با تو به نیکی سخن خواهد گفت و خواهد گفت :چه می خواهی؟
7و تو را با غذای خود شرمنده خواهد کرد ،تا زمانی که تو را دو یا سه بار خشک کند ،و در آخر به تمسخر تو خواهد خندید ،وقتی تو را ببیند ،تو را ترک خواهد کرد و سر خود را برای تو تکان خواهد داد.
8مواظب باش که فریب نخوری و در شادی خود فرو نشینی.
9اگر از مردی نیرومند دعوت میشوی ،خود را کنار بکش ،و او تو را دعوت خواهد کرد.
10بر او فشار نیاور ،مبادا عقب نشینی کنی .دور نباش ،مبادا فراموش شوی.
11در صحبت کردن با او مساوی نشوید ،و به سخنان بسیار او ایمان نیاورید ،زیرا با سخنان زیاد شما را وسوسه خواهد کرد و با لبخند زدن به شما اسرار شما را آشکار خواهد کرد.
12امّا او سخنان تو را ظالمانه به جا خواهد آورد و از آزار تو و به زندان انداختن تو دریغ نخواهد کرد.
13مراقب باشید و مراقب باشید ،زیرا در خطر سرنگونی خود گام میزنید.
14خداوند را در تمام زندگی خود دوست بدار و او را برای نجات خود بخوان.
15هر حیوانی مانند خود را دوست دارد و هر انسانی همسایه خود را دوست دارد.
16همه جسد بر حسب نوع متحد میشود و انسان به مانند خود میپیوندد.
17اگرگ چه ارتباطی با بره دارد؟ پس گناهکار با پرهیزگاران.
18چه توافقی بین کفتار و سگ وجود دارد؟ و چه صلحی بین فقیر و غنی؟
19همانطور که الاغ وحشی طعمه شیر در بیابان است ،و ثروتمند فقیر را می خورد.
20همانطور که مغرور از فروتنی متنفر است ،ثروتمند نیز از فقیر بیزار است.
21مرد ثروتمندی که شروع به سقوط کرده است ،از دوستان خود نگه داشته میشود ،اما فقیری که در حال سقوط است توسط دوستان خود رانده میشود.
22وقتی مرد ثروتمندی سقوط میکند ،یاران زیادی دارد .او چیزهایی میگوید که نباید گفته شود ،اما مردم او را توجیه میکنند .او عاقلانه صحبت کرد و جایی نداشت.
23وقتی مردی ثروتمند سخن میگوید ،هرکس زبان خود را میگیرد و ببین چه میگوید ،آن را تا ابرها تمجید میکنند ،اما اگر فقیر صحبت کند ،میگویند :این چه کسی است؟ و اگر لغزش کند کمک می کنند تا او را سرنگون کنند.
24ثروت برای کسی که گناهی ندارد خوب است و فقر در دهان بی خدا بد است.
25دل آدمی چهرهاش را تغییر میدهد ،خواه به نیکی یا بدی ،و دل شاد ،چهرهای شاد میسازد.
26چهرهی شاد ،نشانهی دلی است که در رفاه است .و یافتن تمثیل کار خسته کننده ذهن است.

مقاله14

1خوشا به حال کسی که با دهان خود لغزیده و از انبوه گناهان خاردار نشده باشد.
2خوشا به حال کسی که وجدانش او را محکوم نکرده است و از امید خود به خداوند ناامید نشده است.
3ثروت برای خسیس خوشایند نیست و حسود با پول چه کند؟
4کسی که با فریب نفس خود جمع میکند ،برای دیگران جمع میکند که دارایی او را آشوبگرانه خرج کنند.
5کسی که نسبت به خود بد باشد ،برای چه کسی نیکی خواهد کرد؟ او از مال خود لذت نخواهد برد.
6هیچ کس بدتر از کسی نیست که به خود حسادت کند .و این جزای بدی اوست.
7و اگر نیکی کند ،ناخواسته انجام میدهد .و سرانجام شرارت خود را اعلام خواهد کرد.
8حسود چشم بد دارد .روی خود را برمی گرداند و مردم را تحقیر می کند.
9چشم طمع به سهم خود سیر نمی شود .و گناه شریر روح او را خشک می کند.
10چشم بد به نان او حسادت میورزد ،و در سفرهاش خسیس است.
11پسرم ،برحسب توانایی خود به خود نیکی کن و قربانی شایسته او را به خداوند بده.
12به یاد داشته باشید که مرگ دیری نخواهد آمد و عهد قبر به شما اعلام نشده است.
13قبل از مرگت به دوستت نیکی کن و برحسب تواناییت دستت را دراز کن و به او بده.
14روز نیکو را از خود فریب مکن ،و نگذار که قسمت آرزوی نیک بر تو غلبه کند.
15آیا زحمات خود را به دیگری واگذار نمی کنی؟ و زحمات تو به قرعه تقسیم شود؟
16بده و بگیر و جان خود را تقدیس کن .زیرا در قبر جستجوی لذیذ نیست.
17هر گوشتی مانند جامه کهنه میشود ،زیرا عهد از ابتدا این است که به مرگ خواهی مرد.
18از برگهای سبز درخت ضخیم ،برخی می ریزند و برخی رشد می کنند .نسل گوشت و خون نیز چنین است ،یکی به پایان می رسد و دیگری متولد می شود.
19هر کاری پوسیده میشود و از بین میرود ،و کارگر آن خواهد رفت.
20خوشا به حال کسی که در چیزهای نیکو با حکمت فکر می کند ،و به چیزهای مقدّس به عقل خود می اندیشد.
21کسی که راههای او را در دل خود میاندیشد ،در اسرار او نیز درک خواهد داشت.
22مانند کسی که ردیابی میکند به دنبال او بروید و در راه او کمین کنید.
23هر که در پنجرههای او کاهن میکند ،از درهای او نیز گوش فرا خواهد داد.
24هر که نزدیك خانه او اقامت کند ،یك سنجاق نیز در دیوارهایش ببندد.
25خیمه خود را نزد او برپا خواهد کرد و در اقامتگاهی اقامت خواهد کرد که چیزهای خوب در آن باشد.

26او فرزندان خود را در پناه او خواهد گذاشت و در زیر شاخه های او اقامت خواهد کرد.
27او از گرما پوشیده خواهد شد و در جلال او ساکن خواهد شد.

مقاله15

1هر که از خداوند بترسد نیکی خواهد کرد و کسی که علم شریعت را دارد او را به دست خواهد آورد.
2و به عنوان یک مادر او را ملاقات خواهد کرد و او را به عنوان همسری باکره خواهد پذیرفت.
3با نان عقل او را سیر خواهد کرد و آب حکمت را به او مینوشاند.
4او بر او خواهد ماند و متزلزل نخواهد شد .و بر او تکیه خواهد کرد و شرمنده نخواهد شد.
5او را بر همسایگان خود برتری خواهد داد و در میان جماعت دهان او را خواهد گشود.
6او شادی و تاج شادی خواهد یافت و او را وارث نامی جاودانی خواهد کرد.
7اما انسانهای نادان به او نخواهند رسید و گناهکاران او را نخواهند دید.
8زیرا او از غرور دور است و مردان دروغگو نمی توانند او را به یاد آورند.
۹ستایش در دهان گناهکار به نظر نمی رسد ،زیرا از جانب خداوند برای او فرستاده نشده است.
10زیرا ستایش به حکمت گفته خواهد شد و خداوند آن را سعادت خواهد بخشید.
11مگو ،به واسطه خداوند است که از بین رفتم ،زیرا تو نباید کارهایی را انجام دهی که او از آن نفرت دارد.
12مگو او مرا به خطا انداخته است ،زیرا او به انسان گناهکار نیازی ندارد.
13خداوند از هر زشتی متنفر است .و آنان که از خدا می ترسند آن را دوست ندارند.
14او خود انسان را از ابتدا آفرید و او را در دست مشاوره خود سپرد.
15اگر می خواهی ،احکام را نگاه داری و وفاداری پسندیده انجام دهی.
16او آتش و آب را در حضور تو برافروخته است.
17زندگی و مرگ در برابر انسان است .و اگر بخواهد به او داده خواهد شد.
18زیرا که حکمت خداوند بزرگ است و او در قدرت توانا است و همه چیز را می بیند.
19و چشمانش به کسانی است که از او می ترسند ،و او همه کارهای انسان را می داند.
20او به هیچکس دستور نداده است که بدی کند و به کسی اجازه گناه نداده است.

مقاله16

1آرزوی انبوه فرزندان بیسود نباشید و از پسران بیخدا لذت نبرید.
2اگر چه زیاد شوند ،در آنها شادمان نشوید ،مگر اینکه ترس خداوند با آنها باشد.
3در زندگی آنها اعتماد مکن و به کثرت آنها احترام نگذار ،زیرا عادل از هزاران بهتر است .و بهتر است که بدون فرزند بمیریم تا آنها که بی خدا باشند.
4زیرا که به وسیله ی خردمند شهر دوباره پر خواهد شد ،اما خویشاوندان شریر به سرعت ویران خواهند شد.
5از این قبیل چیزها به چشم خود بسیار دیده ام و گوش من چیزهای بزرگتر از اینها را شنیده است.
6در جماعت بی خدا آتشی افروخته خواهد شد .و در قوم سرکش خشم به آتش کشیده می شود.
7او در برابر غولهای پیر که در قدرت حماقت خود فروریختند ،آرام نشد.
8و به محلی که لوط در آن اقامت گزید امان نداد ،بلکه به دلیل غرورشان از آنها بیزار بود.
9او بر اهل هلاکت که در گناهانشان برداشته شده بودند ترحم نکرد.
10و نه آن ششصد هزار پیاده که در سختی دلهای خود جمع شده بودند.
11و اگر در میان مردم یک سرسخت باشد ،شگفتآور است که بدون مجازات فرار کند ،زیرا رحمت و غضب با او است .او در بخشش و ریختن نارضایتی توانا است.
12همانطور که رحمت او بزرگ است ،اصلاح او نیز زیاد است :او انسان را بر اساس اعمالش داوری می کند
13گناهکار با غنائم خود رهایی نخواهد یافت و شکیبایی پرهیزگاران ناامید نخواهد شد.
14راه را برای هر عمل رحمانی بسازید ،زیرا هر کس مطابق اعمال خود خواهد یافت.
15خداوند فرعون را سخت کرد تا او را نشناسد تا کارهای قدرتمند او به جهانیان شناخته شود.
16رحمت او بر هر موجودی آشکار است .و او نور خود را از ظلمت با سرسختی جدا کرده است.
17مگو من خود را از خداوند پنهان خواهم کرد .آیا کسی از بالا مرا به یاد خواهد آورد؟ من در میان این همه مردم به یاد نخواهم آمد ،زیرا روح من در میان این تعداد نامتناهی از مخلوقات چیست؟
18اینک ،آسمان و آسمان آسمانها ،اعماق و زمین ،و هر چه در آن است ،به هنگام دیدار متحرک خواهند شد.
۱۹کوهها و پایههای زمین از لرزه میلرزند ،چون خداوند بر آنها مینگرد.
20هیچ دلی نمیتواند به این چیزها به شایستگی فکر کند و چه کسی میتواند راههای او را تصور کند؟
21این طوفانی است که هیچکس نمیتواند آن را ببیند ،زیرا بیشتر کارهای او پنهان است.
22چه کسی میتواند اعمال عدالت او را اعلام کند؟ یا چه کسی می تواند آنها را تحمل کند؟ زیرا عهد او دور است و آزمایش همه چیز در پایان است.
23کسی که عقل میخواهد به چیزهای بیهوده فکر میکند ،و مرد نادان که گمراه میشود حماقتها را میاندیشد.
24پسرم ،مرا بشنو ،و دانش بیاموز ،و سخنان مرا با قلب خود علامت گذاری کن.
25من آموزه را در وزن بیان خواهم کرد و دانش او را دقیقاً اعلام خواهم کرد.
26اعمال خداوند در داوری از ابتدا انجام میشود و از زمانی که آنها را ساخت ،قسمتهای آن را از بین برد.
27او کارهای خود را تا ابد زینت بخشید و سرآمد آنها تا نسلهای دیگر در دست اوست.
28هیچ یک از آنها مانع دیگری نمی شود و هرگز از کلام او سرپیچی نمی کنند.
29پس از آن خداوند به زمین نگاه کرد و آن را از برکات خود پر کرد.
30با همه موجودات زنده روی آن را پوشانده است .و دوباره به آن باز خواهند گشت.

مقاله17

1خداوند انسان را از زمین آفرید و او را دوباره به آن تبدیل کرد.
2به ایشان چند روز و مدت کوتاهی داد و بر چیزهایی که در آن بود نیز قدرت داد.
3ایشان را بهتنهایی قوّت بخشید ،و آنها را مطابق شکل خود ساخت.
4و ترس انسان را بر هر جسمی قرار دهید و او را بر حیوانات و پرندگان مسلط کنید.
5آنها از پنج عمل خداوند استفاده کردند ،و در مرتبه ششم ،او به آنها فهم داد ،و در گفتار هفتم ،مفسر عقاید آن بود.
۶نصیحت و زبان و چشم و گوش و دل به آنها داد تا بفهمند.
7و باطل ایشان را از دانش فهم پر کرد و نیکی و بدی را به ایشان نشان داد.
8او بر دلهای ایشان چشم دوخت تا عظمت کارهای خود را به ایشان نشان دهد.
9او آنها را با اعمال شگفتانگیز خود تا ابد جلال بخشید تا اعمال او را با فهم بیان کنند.
10و برگزیدگان نام مقدس او را ستایش خواهند کرد.
11علاوه بر این علم و قانون حیات را به عنوان میراث به ایشان داد.
12او با ایشان عهد جاودانی بست و احکام خود را به ایشان نشان داد.
۱۳چشمان ایشان عظمت جلال او را دیدند و گوشهایشان صدای جلال او را شنید.
14و او به آنها گفت» :از هر بی عدالتی برحذر باشید .و هر کس را در مورد همسایه خود فرمان داد.
15راههای ایشان همیشه در پیشگاه اوست و از چشم او پنهان نخواهد ماند.
16هر انسان از دوران جوانی به شر داده شده است .و نمی توانستند برای خود دلهای گوشتی برای سنگ بسازند.
17زیرا در تقسیم امّتهای سراسر زمین ،او حاکمی را بر هر قوم تعیین کرد .اما اسرائیل سهم خداوند است.
18او که نخستزاده اوست ،او را با تأدیب تغذیه میکند و نور محبت خود را به او میدهد ،او را ترک نمیکند.
19بنابراین تمامی اعمال ایشان مانند خورشید در برابر اوست و چشمان او پیوسته به راههای ایشان است.
20هیچ یک از اعمال ناروای ایشان از او پوشیده نیست ،بلکه تمام گناهان ایشان در حضور خداوند است.
21اما خداوند لطف داشت و کار خود را میدانست ،نه آنها را رها کرد و نه آنها را رها کرد ،بلکه آنها را امان داد.
22صدقهی انسان نزد او مانند مهر است و نیکیهای انسان را مانند چشم نگاه میدارد و به پسران و دخترانش توبه میکند.
23پس از آن قیام خواهد کرد و آنها را پاداش خواهد داد و جزای آنها را بر سرشان خواهد داد.
24اما به توبهکنندگان ،به آنها بازگشت داد و کسانی را که در صبر شکست خوردند تسلی داد.
25بسوی خداوند بازگرد و گناهانت را رها کن و دعای خود را در حضور او بجا آور و کمتر آزار بده.
26باز به سوی اعلی برگرد و از گناه روی گردان ،زیرا او تو را از تاریکی به نور سلامتی خواهد برد و از زشتکاری به شدت متنفر است.
27چه کسی در قبر به جای زنده گان و شکرگزاران ،او را ستایش خواهد کرد؟
28شکرگزاری از مردگان هلاک میشود ،مانند کسی که نیست .زندهها و دلهای سالم خداوند را ستایش خواهند کرد.
29محبت خداوند ،خدای ما ،و شفقت او نسبت به کسانی که با قدوسیت به او روی می آورند ،چقدر بزرگ است!
30زیرا همه چیز در انسان نمی تواند باشد ،زیرا پسر انسان جاودانه نیست.
31چه چیزی از خورشید درخشان تر است؟ با این حال نور آن از بین می رود .و گوشت و خون بد تصور خواهد کرد.
32او قدرت بلندی بهشت را میبیند .و همه انسانها جز خاک و خاکستر هستند.

مقاله18

1کسی که تا ابد زنده است ،همه چیز را به طور کلی آفریده است.
2فقط خداوند عادل است و جز او کسی نیست،
3که با کف دست خود بر جهان حکومت میکند و همه چیز از اراده او اطاعت میکند ،زیرا او پادشاه همه است ،که به وسیله قدرتش چیزهای مقدس را در میان آنها از ناپاک تقسیم میکند.
4او به چه کسی قدرت داده است که اعمال خود را اعلام کند؟ و چه کسی به اعمال شریف او پی خواهد برد؟
5چه کسی قوت عظمت او را خواهد شمرد؟ و چه کسی رحمت خود را نیز بیان خواهد کرد؟
6در مورد کارهای شگفتانگیز خداوند ،ممکن است چیزی از آنها گرفته نشود ،و چیزی به آنها داده نشود ،و اساس آنها را نتوان یافت.
7هنگامی که شخصی انجام می دهد ،آنگاه شروع می کند .و چون ترک کند ،شک کند.
8انسان چیست و به کجا خدمت میکند؟ خیر او چیست و شر او چیست؟
9تعداد روزهای مرد حداکثر صد سال است.
10مانند قطره آب به دریا و سنگ ریزه در مقایسه با ماسه .همینطور هزار سال تا روزهای ابدیت.
11پس خدا بر آنان صبور است و رحمت خود را بر آنان نازل میکند.
12او عاقبت آنها را بد دید و دید .بنابراین رحمت خود را چند برابر کرد.
13رحمت انسان نسبت به همسایه خود است .اما رحمت خداوند بر هر جسمی است .او سرزنش میکند ،پرورش میدهد ،تعلیم میدهد و باز میآورد ،مثل شبان گلهاش.
14او بر آنانی که تأدیب میشوند و در پی احکام او هستند ،رحم میکند.
15پسرم ،اعمال نیکت را عیب مکن ،و وقتی چیزی می دهی ،سخنان ناخوشایند به کار نبر.
16آیا شبنم گرما را از بین نمی برد؟ پس یک کلمه بهتر از یک هدیه است.
17آیا یک کلمه بهتر از هدیه نیست؟ اما هر دو با یک مرد مهربان هستند.
18احمق سرزنش میکند و هدیه حسود چشمها را میسوزاند.
19قبل از اینکه صحبت کنید یاد بگیرید و از فیزیک استفاده کنید یا همیشه بیمار باشید.
20قبل از داوری خود را معاینه کن و در روز دیدار رحمت خواهی یافت.
21قبل از اینکه مریض شوی خود را فروتن کن و در زمان گناهان توبه کن.
22هیچ چیز مانع تو نگردد که نذرت را به موقع ادا کنی و تا مرگ موکول مکن تا عادل شوی.
23قبل از اینکه دعا کنی ،خودت را آماده کن .و مانند کسی نباشید که خداوند را وسوسه می کند.
24به غضبی که در پایان خواهد بود و به زمان انتقام فکر کن که روی خود را برگرداند.
25هنگامی که به اندازه کافی داری ،زمان گرسنگی را به یاد بیاور ،و هنگامی که ثروتمند شدی ،به فقر و نیاز فکر کن.
26از صبح تا شام زمان تغییر میکند و همه چیز به زودی در حضور خداوند انجام میشود.

27عاقل از هر چیزی می ترسد و در روز گناه از گناه بر حذر خواهد بود ،اما نادان زمان را نمی بیند.
28هر خردمندی حکمت را میداند و کسی را که او را یافته است ستایش خواهد کرد.
29آنانی که در سخنان دانا بودند ،خود نیز حکیم شدند و مَثَل های بدیع را بیان کردند.
30به دنبال شهوات خود نرو ،بلکه خود را از اشتهای خود بازدار.
31اگر به روح خود آرزوهایی بدهی که او را خشنود میسازد ،او تو را برای دشمنانت که تو را بدگویی میکنند مایه تمسخر میکند.
32از شادی زیاد لذت نبرید و به مخارج آن گره نخورید.
33در حالی که در کیف خود چیزی ندارید ،با ضیافت و قرض ،گدا مباشید ،زیرا برای جان خود در کمین خواهید نشست و با شما صحبت خواهد شد..

مقاله19

1مرد زحمتکشی که A به مستی داده شود ،ثروتمند نخواهد شد و کسی که چیزهای کوچک را اهانت کند ،کم کم سقوط خواهد کرد.
2شراب و زنان مردان فهیم را از بین میبرند و هر که به فاحشهها میپیوندد گستاخ میشود.
3پروانهها و کرمها او را به میراث خواهند برد و مرد جسور را خواهند برد.
4کسی که در اعتبار دادن عجله میکند ،سبکاندیش است .و هر که گناه کند بر نفس خود اهانت خواهد کرد.
5هر که از شرارت خشنود شود محکوم خواهد شد ،اما کسی که با خوشی ها مخالفت می کند ،جان خود را تاج می گذارد.
6کسی که بتواند بر زبان خود حکومت کند بدون نزاع زندگی خواهد کرد .و کسی که از سخن گفتن متنفر است ،شر کمتری خواهد داشت.
7آنچه را که به تو گفته می شود برای دیگری تکرار مکن ،و هرگز بدتر نخواهی شد.
8چه به دوست و چه دشمن ،از زندگی دیگران صحبت نکنید .و اگر می توانی بدون ایراد ،آنها را آشکار نکن.
9زیرا او تو را شنید و مشاهده کرد و چون زمان فرا رسد از تو متنفر خواهد شد.
10اگر سخنی شنیدی ،بگذار با تو بمیرد .و جسور باش ،تو را نمی ترکاند.
11احمق مانند زن در حال زایمان با کلام زایمان میکند.
12مانند تیری که در ران انسان میچسبد ،سخنی در شکم احمق نیز هست.
13دوستی را نصیحت کن ،ممکن است این کار را نکرده باشد ،و اگر انجام داده است ،دیگر آن را انجام ندهد.
14دوستت را نصیحت کن ،ممکن است نگفته باشد ،و اگر گفته است ،دیگر نگوید.
15دوست را نصیحت کن ،زیرا بارها تهمت است و هر داستانی را باور نکن.
16کسی است که در گفتار خود می لغزد ،اما نه از دلش .و کیست که به زبان خود اهانت نکرده باشد؟
17پیش از تهدید همسایه خود را نصیحت کن .و خشمگین نیستی ،جای خود را به قانون حق تعالی بده.
18ترس از خداوند اولین قدمی است که از او پذیرفته میشود و حکمت محبت او را به دست میآورد.
19آگاهی از احکام خداوند آموزه زندگی است و هر که کارهایی را انجام دهد که او را پسندیده است ،میوه درخت جاودانگی را دریافت خواهد کرد.
20ترس از خداوند همه حکمت است .و در تمام حکمت ،اجرای قانون ،و علم به قدرت مطلق او است.
21اگر غلام به ارباب خود بگوید ،هر چه بخواهد انجام نمی دهم .هر چند بعد از آن این کار را انجام می دهد ،او را که او را تغذیه می کند عصبانی می کند.
22معرفت شرارت حکمت نیست و هرگز نصیحت گناهکاران احتیاط نیست.
23شرارت و همان زشتی وجود دارد .و احمقی است که عاقل است.
24کسی که عقل کم دارد و از خدا می ترسد بهتر از کسی است که حکمت بسیار دارد و از شریعت حق تعالی تجاوز می کند.
25ظلمی نفیسی است و همان ظلم است .و یکی است که روی میگرداند تا داوری کند .و یک مرد عاقل است که در قضاوت توجیه می کند.
26مرد شریری است که با ناراحتی سر خود را پایین انداخته است .اما در باطن پر از فریب است،
27روی خود را افکنده و چنان مینمایند که گویی نشنیده است.
28و اگر به دلیل کمبود قدرت از گناه باز داشته شود ،با این حال وقتی فرصتی بیابد ،بد خواهد کرد.
29هنگامی که او را ملاقات میکنی ،میتوان از نگاهش ،و از قیافهاش فهمیده شد.
30لباس مرد و خندههای زیاد و راه رفتن او را نشان میدهد.

مقاله20

۱سرزنش است که پسندیده نیست :باز هم ،شخصی زبان خود را میگیرد و حکیم است.
2سرزنش کردن بسیار بهتر از خشمگین شدن در نهان است و کسی که به تقصیر خود اعتراف کند از صدمه در امان خواهد ماند.
3چه خوب است که وقتی توبیخ می شوی توبه کنی !زیرا از گناه عمدی فرار خواهی کرد.
4همانطور که شهوت خواجه برای گل زدایی باکره است .کسی که با خشونت داوری می کند نیز چنین است.
5یکی است که سکوت میکند و عاقل میشود ،و دیگری با غرغر بسیار نفرتانگیز میشود.
6برخی زبان خود را نگه میدارند ،زیرا نمیبایست پاسخ دهند ،و برخی سکوت میکنند ،زیرا زمان خود را میدانند.
7مرد عاقل تا فرصتی را ببیند زبان خود را نگه میدارد ،اما سخنگو و احمق زمان را در نظر نمیگیرد.
8کسی که از کلمات بسیار استفاده می کند منفور خواهد بود .و هر کس در آن اقتدار اختیار کند ،منفور خواهد بود.
9گناهکاری است که در کارهای بد موفق می شود .و سودی هست که به ضرر تبدیل می شود.
10هدیهای هست که برای تو سودی ندارد .و هدیه اي است که پاداش آن دو برابر است.
11برای جلال ذلت است .و آنجاست که سرش را از جایگاهی پست بلند می کند.
12کسی است که بسیار به مبلغ اندک میخرد و هفت برابر آن را پس میدهد.
13مرد عاقل با سخنان خود او را محبوب می کند ،اما فیض احمقان ریخته می شود.
14وقتی که هدیهٔ احمق را داشته باشی هیچ سودی برای تو نخواهد داشت .نه هنوز به خاطر ضرورت خود حسادت میورزد ،زیرا او به دنبال دریافت چیزهای زیادی برای یکی است.
15او کم می دهد و بسیار سرزنش می کند .او دهان خود را مانند فریاد می گشاید .امروز قرض می دهد و فردا دوباره خواهد پرسید :چنین کسی از خدا و انسان منفور است.
16احمق میگوید« :من هیچ دوستی ندارم ،برای همه کارهای نیکم شکری ندارم ،و کسانی که نان مرا میخورند درباره من بد میگویند.
17او چند بار و چند نفر مورد تمسخر قرار خواهد گرفت !زیرا او به درستی نمی داند که داشتن چیست .و همه برای او یکی است ،گویی که ندارد.
18لغزش روی سنگفرش بهتر از لغزش با زبان است ،پس سقوط شریران به سرعت خواهد آمد.

19یک داستان بی فصل همیشه در دهان افراد نادان خواهد بود.
20حکم حکیمانه وقتی از دهان احمق بیرون بیاید رد خواهد شد .زیرا او در موعد مقرر آن را بیان نخواهد کرد.
21کسی است که به دلیل تنگدستی از گناه باز میماند ،و چون استراحت کند ،مضطرب نخواهد شد.
22کسی است که جان خود را با شرمساری هلاک میکند ،و با پذیرش اشخاص ،خود را سرنگون میسازد.
23چیزی است که شرمساری به دوست خود وعده می دهد و او را دشمن خود بیهوده می سازد.
24دروغ در انسان لکهای ناپاک است ،اما پیوسته در دهان ناآموختگان است.
25دزد بهتر از مردی است که به دروغ عادت دارد ،اما میراث هر دو هلاک خواهد شد.
26رفتار دروغگو ناپسند است و شرم او همیشه با اوست.
27مرد عاقل با سخنان خود خود را به عزت می رساند و خردمند مردان بزرگ را خشنود می سازد.
28هر که زمین خود را زراعت کند ،تودههای خود را زیاد خواهد کرد و هر که بزرگان را پسندیده باشد ،گناه را مورد عفو قرار خواهد داد.
29هدایا و هدایا چشم خردمند را کور میکند و دهان او را میبندد که نتواند سرزنش کند.
30حکمت پنهان و گنج ذخیره شده ،هر دو چه سودی دارند؟
31کسی که حماقت خود را پنهان می کند بهتر از کسی است که حکمت خود را پنهان می کند.
32صبر لازم در طلب خداوند بهتر از کسی است که زندگی خود را بدون راهنما سپری می کند.

مقاله21

1پسرم ،آیا گناه کردی؟ دیگر این کار را نکن ،بلکه برای گناهان سابقت عفو بخواه.
2از گناه بگریز ،چون از روی مار ،زیرا اگر بیش از حد به آن نزدیک شوی ،تو را میگزد ،دندانهایش مانند دندانهای شیر است که جان انسانها را میکشد.
3همه گناهان مانند شمشیر دو لبه است که جراحات آن قابل التیام نیست.
4ترساندن و نادرست کردن ،ثروت را هدر میدهد ،بدینسان خانه مردان متکبر ویران خواهد شد.
5دعایی از دهان فقیر به گوش خدا می رسد و داوری او به سرعت فرا می رسد.
6کسی که از سرزنش بدش میآید در راه گناهکاران است ،اما کسی که از خداوند میترسد ،از دل خود توبه خواهد کرد.
7مرد سخنور دور و نزدیک شناخته می شود .اما مرد فهیم می داند چه زمانی می لغزد.
٨کسی که خانهاش را با پول دیگران میسازد ،مانند کسی است که برای قبر خود سنگ جمع میکند.
9جماعت شریران مانند یدکهایی است که به هم پیچیده شدهاند و انتهای آنها شعلهای از آتش است تا آنها را نابود کند.
10راه گناهکاران با سنگ صاف شده است ،اما در انتهای آن گودال جهنم است.
11هر که شریعت خداوند را نگاه دارد ،درک آن را مییابد ،و کمال ترس از خداوند حکمت است.
12کسی که عاقل نباشد تعلیم نخواهد یافت ،اما حکمتی است که تلخی را چند برابر میکند.
13دانش عاقل مانند طوفان فراوان خواهد بود و نصیحت او مانند چشمه خالص حیات است.
14اندام احمق مانند ظرف شکسته است و تا زمانی که زنده است هیچ دانشی نخواهد داشت.
15اگر مرد ماهر سخنی حکیمانه بشنود ،آن را ستوده و بر آن بیفزاید ،اما به محض اینکه کسی که عاقل است آن را بشنود ،او را خشمگین میکند و آن را پشت سر میاندازد.
16سخن احمق مانند باری در راه است ،اما فیض در لبهای خردمند یافت می شود.
17از زبان حکیم جماعت تحقیق میکنند و سخنان او را در دل خود میاندیشند.
18همانطور که خانه ویران میشود ،حکمت برای احمق نیز چنین است و دانش نادانان مانند سخنان بیمعنی است.
19تعلیم برای احمقان مانند غل و زنجیر در پاها و مانند رج در دست راست است.
20احمق صدای خود را با خنده بلند می کند .اما مرد عاقل کمی لبخند می زند.
21برای مرد دانا زینت طلا و مانند دستبند بر بازوی راست او است.
22پای انسان احمق به زودی در خانه همسایهاش میافتد ،اما مرد باتجربه از او خجالت میکشد.
23احمق از در خانه نگاه میکند ،اما کسی که خوب پرورش یافته بیرون میماند.
24بی ادبی است که مرد در را بشنود ،اما مرد عاقل از رسوایی اندوهگین خواهد شد.
25سخنان سخنگو چیزهایی خواهد گفت که به آنها مربوط نیست ،اما سخنان خردمندان در ترازوی سنجیده می شود.
26دل احمق در دهان ایشان است ،اما دهان عاقل در دل ایشان است.
27وقتی کافر شیطان را نفرین میکند ،نفس خود را نفرین میکند.
28نجواکننده نفس خود را نجس میکند و در هر کجا که ساکن است منفور است.

مقاله22

١مرد تنبل را به سنگ کثیف تشبیه می کنند و هرکس او را به رسوایی خود زمزمه می کند.
2مرد تنبل را به کثیفی کود تشبیه می کنند :هر کس آن را بردارد ،دستش را می فشارد.
3مرد بد پرورده ،آبروی پدری است که او را زاییده است ،و دختری احمق برای از دست دادن او متولد میشود.
4دختر دانا برای شوهرش ارث میآورد ،اما کسی که نادرست زندگی میکند ،سنگدلی پدرش است.
5زن جسور ،پدر و شوهر خود را بیحرمت میکند ،اما هر دو او را تحقیر خواهند کرد.
۶حکایت خارج از فصل مانند موسیقی در ماتم است ،اما خطها و تصحیح حکمت هرگز بیوقت نیست.
7هر که احمق را تعلیم دهد مانند کسی است که سفال را به هم میچسباند و مانند کسی است که از خواب آرام بیدار میشود.
8کسی که برای احمق قصه میگوید ،با کسی که در خواب است صحبت میکند.
9اگر فرزندان صادقانه زندگی کنند و دارایی باشند ،حقارت والدین خود را بپوشانند.
10اما بچهها ،چون مغرور هستند ،به دلیل تحقیر و عدم تربیت ،نجابت خویشاوندان خود را لکه دار میکنند.
11برای مرده گریه کنید زیرا که نور را از دست داده است و برای احمق گریه کنید زیرا او عقل می خواهد.
12مردم هفت روز برای مرده سوگواری میکنند .اما برای یک احمق و یک مرد بی خدا در تمام روزهای زندگی خود.
13با احمق زیاد صحبت مکن و پیش کسی که عقل ندارد نرو ،از او برحذر باش ،مبادا دچار مشکل شوی ،و هرگز با حماقتهای او آلوده نخواهی شد ،از او دور شو و آرامش خواهی یافت و هرگز نخواهی مضطرب از جنون

14چه چیزی از سرب سنگین تر است؟ و نام آن چیست جز احمق؟
15تحمل شن و نمک و انبوه آهن از انسان بیفهم آسانتر است.
16همانطور که چوب بسته و به هم در ساختمان با تکان باز نمی شود ،پس دلی که با نصیحت استوار می شود ،هرگز نمی ترسد.
17دلی که به فکر فهم است مانند گچ بری زیبا بر دیوار گالری است.
18رنگ پریدگانی که بر بلندیها قرار گرفتهاند ،هرگز در برابر باد نمایستند ،پس دل ترسان در خیال احمق نمیتواند در برابر هیچ ترسی بایستد.
19هر که چشم را تیز کند ،اشک میریزد و هر که دل را خار میکند ،آن را برای نشان دادن دانش خود میسازد.
20هر که به پرندگان سنگ بیاندازد آنها را می شکند و هر که دوست خود را سرزنش کند دوستی را از بین می برد.
21اگر چه به سوی دوست خود شمشیر کشیدی ،اما ناامید مباش ،زیرا ممکن است بازگشتی باشد.
22اگر دهانت را بر دوست خود گشودی ،نترس .زیرا ممکن است آشتی وجود داشته باشد :جز سرزنش ،یا غرور ،یا افشای اسرار ،یا زخمی خیانت آمیز ، زیرا هر دوستی به خاطر این چیزها خواهد رفت.
23به همسایه خود در فقرش وفادار باش تا در سعادت او شادی کنی .در وقت مصیبتش بر او ثابت قدم باش تا در میراث او با او وارث شوی ،زیرا که دارایی پست همیشه مورد تحقیر نیست : .نه ثروتمندی که احمقانه است که در تحسین باشد.
24همانطور که بخار و دود کوره از جلوی آتش میرود .قبل از خون بسیار دشنام دهنده است.
25من از دفاع از دوست شرم نخواهم کرد .نه خود را از او پنهان خواهم کرد.
26و اگر از او بدی برای من بیفتد ،هر که آن را بشنود از او برحذر خواهد بود.
27کیست که نگهبانی بر دهان من بگذارد و بر لبانم مهر حکمت بگذارد که ناگهان به دست آنها نیفتم و زبانم مرا هلاک نکند؟

مقاله23

1ای خداوند ،پدر و والی تمام زندگی من ،مرا به نصیحتهای ایشان رها مکن و به آنها نخور.
2چه کسی تازیانه بر اندیشههای من و تأدیب حکمت را بر قلب من خواهد افکند؟ که مرا به خاطر نادانی هایم دریغ نمی کنند و از گناهانم نمی گذرد.
3مبادا نادانیهای من زیاد شود و گناهانم به هلاکت من زیاد شود و در برابر دشمنانم بیفتم و دشمنم بر من شادی کند که امیدش از رحمت تو دور است.
4ای خداوند ،پدر و خدای جان من ،به من نگاه مغرورانه مباش ،بلکه از بندگانت دور شو که همیشه فکری متکبر داشته باش.
۵امیدهای بیهوده و هوسهای بیهوده را از من دور کن ،و او را که میخواهد همیشه تو را خدمت کند ،نگه داری.
6طمع شکم و شهوت جسم مرا فرا نگیرد .و بنده خود را بر من تسلیم مکن.
7ای فرزندان ،تادیب دهان را بشنوید ،کسی که آن را نگاه دارد ،هرگز در لبانش گرفته نخواهد شد.
8گناهکار در حماقت خود رها میشود و بد زبان و متکبّر به آن سقوط خواهند کرد.
9دهانت را به فحش دادن عادت مکن .نه از خود برای نامگذاری قدس استفاده کنید.
10زیرا مانند بندهای که دائماً کتک میخورد ،بدون علامت آبی نخواهد بود ،پس هر که دائماً خدا را قسم میخورد و نام میبرد ،بیعیب نخواهد بود.
11کسی که قسم زیاد میگوید از گناه پر میشود و بلا هرگز از خانهاش دور نمیشود ،اگر ظلم کند ،گناهش بر او خواهد بود ،و اگر گناه خود را اعتراف نکند ، گناه مضاعف میکند .اگر بیهوده سوگند یاد کند بی گناه نیست ،بلکه خانه اش پر از بلا و بلا می شود.
12کلمهای است که ملبس به مرگ است :خدا عنایت کند که در میراث یعقوب یافت نشود .زیرا همه این چیزها از خداپرستان دور خواهد بود و در گناهان خود غرق نخواهند شد.
13از دهان خود برای قسمهای بیاعتنا استفاده نکن ،زیرا کلام گناه در آن است.
14هنگامی که در میان مردان بزرگ مینشینی ،پدر و مادرت را به یاد بیاور .در برابر آنها فراموش مکن و به رسم خود احمق می شوی و آرزو می کنی که زاده نمی شدی و آنها را لعنت کن روز ولادتت.
15مردی که به سخنان ناپسند عادت دارد ،در تمام روزهای زندگی خود اصلاح نخواهد شد.
16دو نوع انسان گناه را زیاد میکنند و سومی خشم میآورد :ذهن داغ مانند آتش سوزان است ،هرگز خاموش نمیشود تا زمانی که نابود شود :زناکار در بدن خود هرگز متوقف نمیشود تا زمانی که آتشی افروخته شود .آتش.
17همه نان برای فاحشه شیرین است ،تا زمانی که بمیرد ترک نمیکند.
18مردی که زناشویی میکند و در دل خود چنین میگوید ،کی مرا میبیند؟ تاریکی بر من احاطه شده است ،دیوارها مرا می پوشانند و هیچ جسمی مرا نمی بیند . از چی باید بترسم خداوند متعال گناهان مرا به یاد نمی آورد:
19چنین مردی فقط از چشمان مردم میترسد و نمیداند که چشمان خداوند ده هزار بار درخشانتر از خورشید است و تمام راههای انسان را میبیند و مخفیترین قسمتها را در نظر میگیرد.
20او همه چیز را قبل از خلقت می دانست .همچنین پس از کامل شدن آنها به همه آنها نگاه کرد.
21این مرد در کوچههای شهر مجازات میشود و هر جا که گمان ندارد او را میبرند.
22با زنی که شوهر خود را ترک میکند و وارث دیگری میآورد ،نیز چنین خواهد شد.
23زیرا اولاً ،او از قانون حق تعالی سرپیچی کرده است .و ثانیاً به شوهر خود تجاوز کرده است .و ثالثاً در زنا فاحشه شده است و از مرد دیگری بچه آورده است.
24او را به جماعت آورده و از فرزندانش تفتیش عقاید خواهد شد.
25فرزندان او ریشه نخواهند داد و شاخه های او میوه نخواهد آورد.
26او یاد خود را نفرین خواهد کرد و ملامت او محو نخواهد شد.
27و کسانی که باقی می مانند خواهند دانست که هیچ چیز بهتر از ترس خداوند نیست و هیچ چیز شیرین تر از توجه به دستورات خداوند نیست.
28پیروی از خداوند جلال بزرگ است و پذیرفته شدن از او عمر طولانی است.

مقاله24

1حکمت خود را ستایش خواهد کرد و در میان قوم خود شکوه خواهد کرد.
2در جماعت حق تعالی دهان خود را خواهد گشود و در برابر قدرت او پیروز خواهد شد.
3از دهان حضرت عالی بیرون آمدم و زمین را مانند ابر پوشاندم.
4در مکانهای بلند ساکن شدم و تخت من در ستون ابری است.
۵من به تنهایی مدار آسمان را احاطه کردم و در اعماق راه رفتم.
6در امواج دریا و در تمام زمین و در هر قوم و قوم ملکی به دست آوردم.

7با همه اینها آرامش طلبیدم و در میراث چه کسی بمانم؟
8پس خالق همه چیز به من فرمان داد و او که مرا ساخت خیمه ام را آرام کرد و گفت :مسکن تو در یعقوب و میراث تو در اسرائیل باشد.
9او مرا از ابتدا قبل از جهان آفرید و هرگز شکست نخواهم خورد.
10در خیمه مقدّس به حضور او خدمت کردم .و من در سیون مستقر شدم.
11به همین ترتیب در شهر محبوب مرا آرام بخشید و قدرت من در اورشلیم بود.
12و در قوم شریف ،حتی در قسمت میراث خداوند ،ریشه گرفتم.
13مانند سرو در لیبانوس و مانند سرو بر کوههای هرمون سربلند شدم.
14من مانند درخت خرما در انجادی و مانند گیاه گل رز در اریحا ،مانند درخت زیتون زیبا در مزرعه ای دلپذیر ،سربلند شدم و مانند چنار در کنار آب رشد کردم.
15بوی خوشی چون دارچین و مارچوبه دادم ،و بوی خوشی چون بهترین مر ،مانند گالبانوم ،عقیق ،و استوراکس شیرین ،و مانند دود کندر در خیمه یافتم.
16من شاخههای خود را مانند درخت سقز دراز کردم و شاخههای من شاخههای افتخار و فیض است.
17همانطور که تاک بوی خوشی بیرون آورد و گلهای من میوه افتخار و ثروتند.
18من مادر عشق نیکو و ترس و معرفت و امید مقدس هستم .بنابراین من که جاودانه هستم به همه فرزندانم که از او نام برده شده اند داده شده ام.
19ای همه خواهان من نزد من بیایید و خود را از میوه های من پر کنید.
20زیرا یادبود من از عسل شیرینتر است و میراث من از لانه زنبور.
۲۱آنانی که مرا میخورند گرسنه خواهند بود و آنانی که مرا مینوشند تشنه خواهند بود.
22کسی که از من اطاعت کند هرگز شرمنده نخواهد شد و کسانی که به وسیله من کار میکنند کار بدی نخواهند کرد.
23همه این چیزها کتاب عهد خدای متعال است ،یعنی شریعتی که موسی به عنوان میراث برای جماعت یعقوب امر کرد.
24بیهوش نشوید تا در خداوند قوی شوید .تا شما را ثابت کند ،به او بچسبید ،زیرا خداوند متعال تنها خداست و جز او نجات دهنده دیگری نیست.
25او همه چیز را با حکمت خود پر می کند ،مانند فیسون و دجله در زمان میوه های جدید.
26او عقل را مانند فرات و مانند اردن در زمان درو زیاد می کند.
27او آموزههای دانش را بهعنوان نور ،و بهعنوان گئون در زمان پرنعمت جلوه میدهد.
28مرد اول او را کاملاً نشناخت و آخرین مرد دیگر او را نخواهد یافت.
29زیرا اندیشههای او از دریا بیشتر است و اندرزهایش از ژرفای بزرگ عمیقتر است.
30من نیز مانند نهر از رودخانه و به عنوان مجرای به باغ بیرون آمدم.
31گفتم :بهترین باغ خود را سیراب خواهم کرد و بستر باغم را فراوان سیراب خواهم کرد و اینک نهر من نهر شد و نهر من به دریا تبدیل شد.
32من هنوز تعلیم را مانند صبح می درخشم و نور او را از دور می فرستم.
33من هنوز تعلیم را به عنوان نبوت منتشر خواهم کرد و آن را برای همیشه به تمام اعصار خواهم گذاشت.
34بنگرید که من فقط برای خودم زحمت نکشیدهام ،بلکه برای همه آنانی که حکمت میجویند.

مقاله25

1در سه چیز زیبا شدم و در برابر خدا و انسانها زیبا قیام کردم :اتحاد برادران ،محبت به همسایگان ،زن و مردی که با هم موافقند.
2جان من از سه نوع انسان متنفر است و از جان آنها بسیار آزرده میشوم :فقیر مغرور ،مرد ثروتمند دروغگو و پیر زناکار که میخواند.
3اگر در جوانی چیزی جمع نکردهای ،چگونه میتوانی در عصر خود چیزی بیابی؟
4ای داوری برای موهای خاکستری و دانستن نصیحت برای مردان قدیم چقدر زیباست!
5ای حکمت پیران و خرد و نصیحت برای مردان محترم چقدر زیباست.
6تجربه بسیار تاج پیران است و ترس از خدا جلال آنهاست.
7نُه چیز است که در دل خود قضاوت کردم که شاد است و دهمین را به زبان خود خواهم گفت :مردی که از فرزندان خود شادی کند .و کسی که زنده است تا سقوط دشمن خود را ببیند.
8خوب است کسی که با زن فهیم زندگی میکند و با زبانش لغزش نمییابد ،و به مردی نالایقتر از خودش خدمت نکرده است.
9خوب است کسی که احتیاط یافته است و آن که در گوش کسانی که می شنوند سخن می گوید.
10ای چه بزرگ است کسی که حکمت می یابد !اما کسی بالاتر از او نیست که از خداوند بترسد.
11امّا محبت خداوند برای روشنایی از همه چیز میگذرد.
۱۲ترس خداوند سرآغاز محبت اوست و ایمان آغاز چسبیدن به اوست.
13هر بلایی به من بده ،جز آفت دل ،و هر شرارتی ،جز شرارت زن.
14و هر مصیبت ،جز مصیبت از آنهایی که از من نفرت دارند ،و هر انتقامی ،جز انتقام از دشمنان.
15هیچ سر بالاتر از سر مار نیست .و هیچ خشمی بالاتر از خشم دشمن نیست.
16من ترجیح دادم با شیر و اژدها زندگی کنم تا اینکه با زن شریر خانه نشین شوم.
17شرارت زن چهرهاش را دگرگون میسازد و چهرهاش را مانند گونی تیره میسازد.
18شوهرش در میان همسایگان خود بنشیند .و چون بشنود آهی تلخ می کشد.
19هر شرارتی جز شرارت زن اندک است :سهم گناهکار بر او بیفتد.
20همانطور که بالا رفتن از یک راه شنی تا پای افراد سالخورده است ،زن پر حرف برای مردی آرام نیز چنین است.
21در زیبایی یک زن لغزش نکنید و او را برای لذت نخواهید.
22زن اگر شوهرش را حفظ کند پر از خشم و گستاخی و سرزنش فراوان است.
23زن شریر شجاعت را کم میکند ،چهره سنگین و دل زخمی میسازد ،زنی که در مصیبت به شوهر خود دلداری نمیدهد ،دستهای ضعیف و زانوهایش را ضعیف میکند.
24از زن آغاز گناه بود و همه به واسطه او می میریم.
25آب را راه ندهید .نه زن شریر آزادی گاد در خارج از کشور.
۲۶اگر آنطور که تو میخواهی نمیرود ،او را از بدنت جدا کن و طلاقش را بده و او را رها کن.

مقاله26

1خوشا به حال مردی که زن نیکوکار داشته باشد ،زیرا تعداد روزهای او دو برابر خواهد بود.
2زن نیکوکار شوهرش را شاد میکند و او سالهای زندگی خود را در آرامش به پایان میرساند.
3زن نیکو سهم نیکو است که به سهم آنان که از خداوند می ترسند داده می شود.
4خواه ثروتمند باشد و خواه فقیر ،اگر دلش نسبت به خداوند نیکو باشد ،همیشه با چهرهای شاد شاد خواهد شد.
5از سه چیز دل من می ترسد .و برای چهارمی بسیار ترسیدم :تهمت شهری ،گرد هم آمدن گروهی بیفرمان ،و تهمت دروغ :همه اینها از مرگ بدتر است.
6اما غم و اندوه زنی است که بر زن دیگری حسادت میورزد و تازیانه زبانی است که با همه ارتباط برقرار میکند.
7زن شریر یوغی است که به این سو و آن سو تکان میخورد ،کسی که او را بگیرد ،مانند عقرب است.
8زن مست و جگر در خارج خشم شدید میآورد و خجالت خود را نمیپوشاند.
9فاحشگی زن را میتوان در نگاه و پلکهای متکبرانهاش دانست.
10اگر دخترت بی شرم است ،او را سخت نگه دار ،مبادا از طریق آزادی بیش از حد خود را آزار دهد.
11مراقب چشم گستاخ باشید و تعجب نکنید اگر او به شما تجاوز کند.
12او دهان خود را مانند مسافر تشنهای خواهد گشود که چشمهای بیابد و از هر آبی نزدیک خود بنوشد و در کنار هر پرچینی بنشیند و تیرهای خود را در برابر هر تیری بگشاید.
13فیض زن شوهرش را خوشحال میکند و خرد او استخوانهای او را فربه میکند.
14زن ساکت و مهربان هدیه خداوند است .و هیچ چیز به اندازه یک ذهن خوب آموزش داده شده ارزش ندارد.
15زن شرمسار و وفادار لطفی مضاعف است و نمی توان به ذهن قاره ای او قدردانی کرد.
16مانند خورشید هنگامی که در آسمان بلند طلوع می کند .زیبایی یک همسر خوب در نظم و ترتیب خانه او نیز چنین است.
17همانطور که نور روشن بر شمعدان مقدس است .زیبایی صورت در سنین رسیده نیز چنین است.
18مانند ستونهای طلایی بر پایههای نقره .همینطور پاهای زیبا با قلبی ثابت.
19پسرم ،گل دوران خود را سالم نگه دار .و قوت خود را به بیگانگان نده.
20هنگامی که در تمام مزرعه ملکی پربار به دست آوردی ،آن را با بذر خود بکار و به نیکویی سهام خود اعتماد کن.
21پس نژاد تو که ترک میکنی ،با اطمینان از تبار نیکویشان ،بزرگ میشوند.
22فاحشه به عنوان آب دهان حساب می شود .اما زن شوهردار برج در برابر مرگ برای شوهرش است.
23زن شریر به مرد شریر سهم میدهند ،اما زن خداپرست به کسی که از خداوند میترسد داده میشود.
24زن بی شرف شرم را تحقیر می کند ،اما زن درستکار به شوهر خود احترام می گذارد.
25زن بی شرم را باید سگ حساب کرد .اما کسی که شرمنده است از خداوند می ترسد.
26زنی که به شوهر خود احترام میگذارد ،عاقلانه قضاوت خواهد شد .اما کسی که او را در غرور بیحرمت کند ،از همه بیخدا شمرده خواهد شد.
27زنی که با صدای بلند فریاد میزند و سرزنش میکنند تا دشمنان را از خود دور کنند.
28دو چیز وجود دارد که قلب من را غمگین می کند .و سومی مرا خشمگین می کند :مرد جنگی که از فقر رنج می برد .و خردمندانی که توسط آنها تعیین نشده اند .و کسی که از عدالت به گناه باز می گردد .خداوند چنین کسی را برای شمشیر آماده می کند.
29تاجر به سختی خود را از ظلم باز دارد .و هَکستر از گناه رها نمی شود.

مقاله27

1بسیاری برای یک موضوع کوچک گناه کرده اند .و کسی که در جستجوی فراوانی است چشمان خود را برگرداند.
2همانطور که میخ به سرعت بین سنگها میچسبد .پس گناه بین خرید و فروش نزدیک می شود.
3اگر کسی خود را در ترس خداوند سخت نگه دارد ،خانه او به زودی ویران خواهد شد.
4مانند زمانی که کسی با غربال الک می کند ،زباله باقی می ماند .بنابراین کثیفی انسان در صحبت او.
5کوره ظروف سفالگر را آزمایش می کند .پس امتحان انسان در استدلال اوست.
6میوه نشان می دهد که آیا درخت پانسمان شده است .گفتن غرور در دل انسان نیز چنین است.
7هیچکس را قبل از اینکه سخنش را بشنوی ستایش نکن .زیرا این آزمایش مردان است.
8اگر از عدالت پیروی کنی ،او را به دست آور ،و او را مانند ردای بلند با شکوه بپوشی.
9پرندگان به مانند خود متوسل خواهند شد .پس حقیقت به کسانی که در او تمرین می کنند باز خواهد گشت.
10همانطور که شیر در کمین شکار است .پس برای کسانی که گناه می کنند گناه کن.
11گفتار مرد خداپرست همیشه با حکمت است .اما احمق مانند ماه تغییر می کند.
12اگر در میان بیمعرفتان هستی ،زمان را رعایت کن .اما پیوسته در میان خردمندان باشید.
13گفتار احمقان آزاردهنده است و ورزش آنها بیهودگی گناه است.
14سخن او که بسیار سوگند می خورد مو را راست می کند .و دعواهای آنها باعث می شود که گوش های او متوقف شود.
15نزاع متکبران خونریزي است و دشنامهایشان به گوششان سخت است.
16هر که اسرار را کشف کند اعتبار خود را از دست می دهد .و هرگز دوستی برای ذهنش پیدا نخواهد کرد.
17دوست خود را دوست بدار و به او وفادار باش ،اما اگر به اسرار او خیانت کردی ،دیگر از او پیروی نکن.
18زیرا که انسان دشمن خود را نابود کرده است .پس محبت همسایه خود را از دست داده ای.
19همانطور که پرنده ای را از دست خود رها می کند ،همسایه خود را نیز رها کرده و دیگر او را نخواهی گرفت.
20دیگر دنبال او نروید ،زیرا او خیلی دور است .او مانند قیری است که از دام بیرون آمده است.
21در مورد زخم ،ممکن است بسته شود .و پس از دشنام ممکن است آشتی باشد ،اما کسی که راز خیانت کند بی امید است.
22هر که با چشم چشمک بزند بد می کند و هر که او را بشناسد از او دور خواهد شد.
23وقتی تو حاضر شوی ،شیرین سخن خواهد گفت و سخنان تو را تحسین خواهد کرد ،اما در آخر دهان خود را می پیچد و سخنان تو را تهمت می زند.
24من از چیزهای زیادی متنفرم ،اما چیزی شبیه او نیستم .زیرا خداوند از او متنفر خواهد شد.
25هر که سنگی را به بلندی می اندازد ،آن را بر سر خود می اندازد .و سکته فریبکارانه زخم ایجاد خواهد کرد.
26هر که گودالی را حفر کند در آن سقوط خواهد کرد و هر که دامی بیندازد در آن گرفتار خواهد شد.
27کسی که فساد میکند ،بر او خواهد افتاد و نمیداند از کجا میآید.
28تمسخر و سرزنش از متکبران است .اما انتقام مانند یک شیر در کمین آنها خواهد بود.
29آنانی که از سقوط عادلان شادی میکنند در دام گرفتار خواهند شد .و اندوه قبل از مرگ آنها را خواهد گرفت.

30کینه و خشم ،حتی اینها مکروه است .و انسان گناهکار هر دو را خواهد داشت.
مقاله28

1کسی که انتقام میگیرد از خداوند انتقام خواهد گرفت و گناهان خود را به یاد خواهد آورد.
2آزاری را که همسایهات به تو رسانده ببخش تا وقتی دعا کنی ،گناهان تو نیز بخشیده میشود.
3یک نفر از دیگری نفرت دارد و آیا از خداوند عفو می خواهد؟
4او به مردی که شبیه خودش است رحم نمی کند و آیا برای گناهان خود آمرزش می خواهد؟
5اگر کسی که جز گوشت است ،نفرت را تقویت کند ،چه کسی از گناهانش طلب بخشش خواهد کرد؟
6عاقبت خود را به یاد بیاور و دشمنی را متوقف ساز .فساد و مرگ را به یاد آورید و بر احکام پایبند باشید.
7اوامر را به خاطر بسپار و نسبت به همسایه خود کینه توزی مکن.
8از نزاع بپرهیز و گناهان خود را کم خواهی کرد زیرا که مرد خشمگین نزاع را برافروزد.
9مرد گناهکار دوستان را ناراحت میکند و میان صلحآمیز مناظره میکند.
10ماده آتش چنان که می سوزد ،و چنانکه قوت انسان است ،خشم او نیز چنان است .و بر حسب ثروتش خشم او بالا می رود .و هر چه آنها قویتر باشند ، بیشتر ملتهب خواهند شد.
11نزاع عجولانه آتش می افروزد و جنگ شتابزده خون می ریزد.
12اگر جرقه را بدوزی ،بسوزد ،و اگر بر آن تف کنی ،خاموش میشود و هر دو از دهانت بیرون میآیند.
13نجواکننده و دوزبانه را لعنت کنید زیرا اینان بسیاری را که در صلح بودند هلاک کردند.
14زبان غیبت ،بسیاری را مضطرب ساخته و از قومی به قوم دیگر رانده است ،شهرهای نیرومند را ویران کرده ،خانههای مردان بزرگ را ویران کرده است.
15زبان غیبت زنان نیکوکار را بیرون کرده و آنها را از کارشان محروم کرده است.
16هر کس به آن گوش دهد هرگز آرامش نخواهد یافت و هرگز ساکت نخواهد شد.
17ضربه تازیانه در گوشت اثر میگذارد ،اما ضربه زبان استخوانها را میشکند.
18بسیاری به دم شمشیر افتادهاند ،اما نه آنقدر که به زبان افتادهاند.
19خوب است کسی که از طریق زهر آن محافظت می شود .که یوغ آن را نکشیده و در بندهای او بسته نشده است.
20زیرا یوغ آن یوغی آهنی است و بندهای آن نوارهای برنجی است.
21مرگ آن مرگ بدی است ،قبر بهتر از آن بود.
22بر آنانی که از خدا می ترسند حکومت نخواهد کرد و با شعله آن سوخته نخواهند شد.
23کسانی که خداوند را ترک کنند در آن سقوط خواهند کرد .و در آنها خواهد سوخت و خاموش نخواهد شد .مانند یک شیر بر آنها فرستاده خواهد شد و آنها را مانند یک پلنگ خواهد بلعید.
24ببین که اموالت را با خار محصور کنی و نقره و طلای خود را ببند،
25و سخنان خود را با ترازوی بسنجید و در و میله ای برای دهان خود بسازید.
26مواظب باش که از آن سر نخور ،مبادا در مقابل کسی که در کمین است بیفتی.

مقاله29

1هر که مهربان است به همسایه خود قرض خواهد داد .و هر که دست خود را تقویت کند ،احکام را نگاه می دارد.
2به همسایهات در موقع نیاز قرض بده ،و دوباره در موعد همسایهات را بپرداز.
3کلام خود را نگه دار و با او صادقانه رفتار کن و همیشه آنچه را که برایت لازم است پیدا خواهی کرد.
4بسیاری چون چیزی به آنها قرض داده میشد ،آن را پیدا میپنداشتند و آنها را به دردسر انداختند که به آنها کمک کرد.
5تا دریافت کند ،دست مردی را خواهد بوسید .و در برابر پول همسایه خود تسلیمانه سخن خواهد گفت ،اما هنگامی که باید جبران کند ،زمان را طولانی می کند ،و سخنان غمگین را پاسخ می دهد ،و از زمان شکایت می کند.
6اگر پیروز شود ،نصف آن را به سختی دریافت خواهد کرد ،و چنان حساب خواهد کرد که گویی آن را یافته است ،در غیر این صورت ،او را از پول خود محروم کرده ،و او را دشمنی بی دلیل پیدا کرده است .او را با دشنام می دهد و نرده ;و برای افتخار او را رسوا خواهد کرد.
7بنابراین ،بسیاری از ترس از فریب خوردن ،برای بدرفتاری دیگران از قرض دادن خودداری کردهاند.
8با این حال با مردی که فقیر است شکیبا باش و درنگ نکن تا به او رحم کنی.
9به خاطر حکم به فقیر کمک کن و به خاطر فقر او را برنگردان.
10پول خود را به خاطر برادر و دوستت از دست بده ،و بگذار زیر سنگ زنگ نزند تا گم شود.
11گنج خود را برحسب اوامر حق تعالی ذخیره کن و از طلا سود بیشتری برای تو خواهد آورد.
12صدقه را در انبارهایت ببند و تو را از هر مصیبت نجات خواهد داد.
13برای تو با دشمنانت بهتر از سپر نیرومند و نیزه ای قوی می جنگد.
14مرد درستکار برای همسایه خود ضامن است ،اما گستاخ او را ترک خواهد کرد.
15دوستی ضامن خود را فراموش مکن ،زیرا او جان خود را برای تو داده است.
16گناهکار مال ضامن خود را از بین میبرد.
17و کسی که فکر ناسپاسی دارد او را در خطری که او را نجات داده است رها خواهد کرد.
18ضمانت بسیاری از اموال نیک را از بین برده و آنها را مانند موج دریا به لرزه درآورده است.
19مرد شریری که از احکام خداوند تجاوز میکند به ضمانت میافتد ،و کسی که تجارت دیگران را برای منفعت به عهده میگیرد و دنبال میکند به کت و شلوار میافتد.
20همسایهات را برحسب قدرتت یاری کن ،و مواظب باش که خودت نیز به همان اندازه نیفتی.
21مهمترین چیز برای زندگی آب و نان و لباس و خانه ای است که شرم را بپوشاند.
22زندگی یک مرد فقیر در کلبهای پست بهتر از کرایهای لطیف در خانهی مرد دیگری است.
23کم باشد یا زیاد ،راضی باش تا سرزنش خانه خود را نشنوی.
24زیرا خانه به خانه رفتن زندگی رقت انگیزی است زیرا در جایی که غریبه باشی جرأت نمی کنی دهانت را باز کنی.
25پذیرایی میکنی و مهمانی میکنی ،و شکرگزاری نخواهی کرد ،و سخنان تلخ را نیز خواهی شنید.

26ای غریب بیا و سفره ای بچین و از آنچه آماده داری به من غذا بده.
27ای غریب ،جای انسان شریف را بده .برادرم برای اسکان می آید و من به خانه خود نیاز دارم.
28این چیزها برای مرد فهیم آزاردهنده است .سرزنش خانه و سرزنش وام دهنده.

مقاله30

1هر که پسر خود را دوست دارد ،او را غالباً عصا را احساس میکند تا در پایان از او شادی کند.
2هر که پسر خود را تنبیه کند در او شادی خواهد کرد و در میان آشنایان خود از او شادی خواهد کرد.
3هر که پسر خود را تعلیم دهد دشمن را اندوهگین می کند و در حضور دوستان خود از او شادی می کند.
4اگر چه پدرش بمیرد ،گویی نمرده است ،زیرا کسی را که شبیه خودش است ،پشت سر گذاشته است.
5تا زمانی که او زنده بود ،او را دید و شادی کرد و چون مرد ،اندوهگین نشد.
6او انتقامجویی را از دشمنان خود به جا گذاشت و انتقامجوی را به دوستان خود خواهد داد.
7هر که پسرش را زیاد کند ،زخمهای او را ببندد .و روده هایش در هر گریه ای مضطرب خواهد شد.
8اسبی که نشکسته باشد سرسخت می شود و کودکی که به حال خود رها می شود ،حیله گر خواهد بود.
9فرزندت را خروس کن تا تو را بترساند.
10با او نخند ،مبادا با او غمگین شوی و در آخر دندان قروچه کنی.
۱۱در جوانی به او آزادی ندهید و به حماقتهایش چشمک نزنید.
12در جوانی گردنش را خم کن و در کودکی به پهلوهایش بزن تا مبادا لجاجت کند و از تو نافرمانی کند و در دل تو اندوه بیاورد.
13پسرت را تنبیه کن و او را به کار وادار ،مبادا رفتار زشت او برای تو آزار باشد.
14فقیر که سالم و قوی است بهتر از ثروتمندی است که در بدن خود رنجیده باشد.
15تندرستی و تندرستی بالاتر از هر چیز طلا و بدن قوی بالاتر از ثروت بی پایان است.
۱۶هیچ ثروتی بالاتر از بدن سالم نیست ،و هیچ شادی بالاتر از شادی دل نیست.
17مرگ بهتر از زندگی تلخ یا بیماری مداوم است.
18غذاهای لطیف که بر دهان بسته میریزند ،مانند گوشتی است که بر قبر گذاشته میشود.
19هدیه برای بت چه سودی دارد؟ زیرا نه می تواند بخورد و نه بو کند.
20او با چشمان خود می بیند و ناله می کند ،مانند خواجه ای که باکره ای را در آغوش می گیرد و آه می کشد.
21ذهن خود را به سنگینی تسلیم مکن و خود را در نظر خود مضطرب نکن.
22شادی دل حیات انسان است و شادی انسان روزهای او را طولانی میسازد.
23جان خود را دوست بدار و دلت را تسلی بده ،اندوه را از خود دور کن ،زیرا اندوه بسیاری را کشته است و هیچ سودی در آن نیست.
24حسد و غضب عمر را کوتاه میکند و احتیاط پیری را پیش از زمان میآورد.
25دلی شاد و خوب مراقب گوشت و غذای او خواهد بود.

مقاله31

1مراقبت برای ثروت ،گوشت را می بلعد ،و مراقبت از آن خواب را از بین می برد.
2مراقبت به انسان اجازه نمیدهد بخوابد ،زیرا بیماری دردناک خواب را میشکند،
3ثروتمند در جمع آوری ثروت کار زیادی دارد .و چون استراحت می کند ،از ظرافت های خود پر می شود.
4فقیر در املاک فقیرانه خود کار می کند .و چون ترک کند ،همچنان نیازمند است.
5کسی که طلا را دوست دارد عادل نخواهد شد و کسی که از فساد پیروی کند از آن بس خواهد بود.
6طلا خراب بسیاری شده است و نابودی آنها حاضر بوده است.
7برای کسانی که برای آن قربانی میکنند ،سنگ مانع است و هر احمقی با آن گرفته خواهد شد.
8خوشا به حال ثروتمندی که بی عیب یافت می شود و به دنبال طلا نرفته است.
9او کیست؟ و او را خجسته خواهیم خواند ،زیرا او در میان قوم خود کارهای شگفت انگیزی انجام داده است.
10کیست که به وسیله آن امتحان شده ،و کامل یافته شده است؟ سپس اجازه دهید او جلال دهد .چه کسی ممکن است توهین کند و توهین نکرده باشد؟ یا کار بدی کرده و نکرده است؟
11اموال او ثابت خواهد شد و جماعت صدقه او را اعلام خواهند کرد.
12اگر بر سر سفرهای پر فضل مینشینی ،بر آن طمع مکن و مگو که گوشت زیاد است.
13به یاد داشته باشید که چشم بد چیز بدی است و چه چیز بدتر از چشم آفریده شده است؟ بنابراین در هر مناسبتی گریه می کند.
14دست خود را به هر کجا که به نظر میرسد دراز مکن و آن را با او در ظرف فرو مکن.
15همسایه خود را به تنهایی قضاوت مکن و در هر امری دانا باش.
16آنچه را که در برابر تو قرار میدهند ،هر چه میخواهد بخور .و توجه داشته باش ،مبادا از تو متنفر شوی.
17اول به خاطر آداب خود را ترک کنید .و سیری ناپذیر نباش ،مبادا توهین کنی.
18هنگامی که در میان بسیاری می نشینی ،اول از همه دست خود را دراز نکن.
19برای مردی که خوب پرورش یافته باشد ،اندک کافی است و باد خود را بر بستر خود نمی آورد.
20خواب آرام از خوردن معتدل حاصل میشود :او زود برمیخیزد و عقلش با اوست ،اما درد تماشا و وبا و درد شکم با مرد سیری ناپذیر است.
21و اگر مجبور به خوردن شدی ،برخیز ،بیرون برو ،استفراغ کن و استراحت خواهی داشت.
22پسرم ،مرا بشنو و مرا تحقیر مکن ،و سرانجام چنان که به تو گفتم خواهی یافت :در تمام اعمالت زنده باش تا هیچ بیماری به تو نرسد.
23هر که در غذای خود آزاد باشد ،مردم از او نیک سخن خواهند گفت .و گزارش خانه داری نیکو او ایمان می آورد.
24امّا تمام شهر علیه کسی که غذای خود را بخل میکند زمزمه خواهد کرد .و در شهادت بخل او تردیدی وجود ندارد.
25شجاعت خود را در شراب آشکار نکن .زیرا شراب بسیاری را نابود کرده است.
26کوره لبه را با غوطهور شدن ثابت میکند و دلهای متکبران را با مستی شراب میسازد.
27شراب به اندازه زندگی برای انسان مفید است ،اگر در حد متوسط نوشیده شود .زیرا برای شاد کردن مردان ساخته شده است.
28شرابی که به اندازه نوشیده میشود و در فصل ،شادی دل و نشاط ذهن را به ارمغان میآورد.

29اما شراب مستی از زیادهروی ،با دعوا و نزاع ،ذهن را تلخ میکند.
30مستی بر خشم احمق می افزاید تا اینکه او را به خطا می اندازد و قدرت را کاهش می دهد و جراحت می آورد.
31همسایه خود را به شراب سرزنش مکن و در شادی او را تحقیر مکن و سخنان ناپسند به او مگو و او را به نوشیدن فشار مبر.

مقاله32

1اگر ارباب عید شدی ،خودت را بلند مکن ،بلکه مانند یکی از بقیه در میان آنها باش .سخت مراقب آنها باشید و پس بنشینید.
2و هنگامی که تمام وظایف خود را انجام دادی ،جای خود را بگیر تا با آنها شادی کنی و تاجی را برای ترتیب خوب خود در جشن بگیری.
3ای بزرگتر ،سخن بگو ،زیرا به تو میرسد ،اما با داوری صحیح .و مانع موسیقی نیست.
4در جایی که نوازنده هست ،سخنی نریز ،و حکمت را در زمان خود بروز نده.
5کنسرت موسیقی در یک ضیافت شراب مانند یک مهره از کاربونکل است که در طلا قرار داده شده است.
6نغمه ی موسیقی با شراب دلپذیر مانند علامت زمرد است که در اثری از طلا نصب شده است.
7ای جوان ،اگر به تو نیاز است ،سخن بگو ،اما به ندرت هنگامی که دو بار از تو خواسته شود.
8گفتار تو کوتاه باشد و بسیار در کلمات کم باشد .مانند کسی باشید که می داند و در عین حال زبان خود را نگه می دارد.
9اگر در میان مردان بزرگ هستی ،خود را با آنها مساوی نکن .و هنگامی که مردان باستان در جای خود هستند ،از کلمات زیادی استفاده نکنید.
10پیش از آنکه رعد برق بزند .و در برابر مرد شرمسار لطف خواهد کرد.
11زمانی برخیزید و آخرین نفر نباشید .اما بدون معطلی به خانه برگرد
12در آنجا اوقات فراغت خود را بگذران و هر چه می خواهی بکن ،اما با گفتار متکبرانه گناه مکن.
13و برای این چیزها بر او برکت بده که تو را آفرید ،و تو را با چیزهای خوب خود پر کرد.
14هر که از خداوند بترسد ،تأدیب او را خواهد پذیرفت .و کسانی که زودتر او را جستجو می کنند ،لطف خواهند یافت.
15هر که به دنبال شریعت باشد از آن پر خواهد شد ،اما منافق از آن آزرده خواهد شد.
16آنانی که از خداوند می ترسند داوری خواهند یافت و عدالت را مانند نور روشن خواهند کرد.
17انسان گناهکار سرزنش نمیشود ،اما مطابق میل خود بهانهای مییابد.
18مرد اندیشمند با ملاحظه خواهد بود .اما یک مرد غریب و مغرور از ترس نمی ترسد ،حتی اگر از خود بدون مشورت انجام داده باشد.
19هیچ کاری را بدون نصیحت انجام ندهید .و هنگامی که یک بار انجام دادی ،توبه نکن.
20به راهی نرو که ممکن است در آن بیفتی و در میان سنگها لغزش مکن.
21به طور واضح اعتماد به نفس نداشته باشید.
22و از فرزندان خود برحذر باش.
23در هر کار نیکو به جان خود اعتماد کن .زیرا این حفظ احکام است.
24کسی که به خداوند ایمان دارد به این فرمان توجه دارد .و کسی که به او اعتماد کند هرگز بدتر نخواهد شد.

مقاله33

1هیچ بدی برای کسی که از خداوند می ترسد اتفاق نخواهد افتاد .اما دوباره در وسوسه او را نجات خواهد داد.
2عاقل از شریعت متنفر نیست .اما منافق در آنجا مانند کشتی در طوفان است.
3مرد فهیم به شریعت اعتماد دارد .و شریعت به او وفادار است ،به عنوان پیشگویی.
4آنچه را که میگویید آماده کنید تا شنیده شوید ،و تعلیم را ببندید و سپس پاسخ دهید.
5قلب احمق مانند چرخ دستی است .و افکار او مانند یک محور چرخان است.
6اسب اسب نر مانند دوست مسخره کننده است و زیر هر کسی که بر او می نشیند می نشیند.
۷چرا یک روز بر روز دیگر برتری دارد ،در حالی که تمام نور هر روز سال از خورشید است؟
8با معرفت خداوند ،آنها متمایز شدند و او فصول و اعیاد را تغییر داد.
9برخی از آنها را روزهای بلند قرار داده و آنها را تقدیس کرده است و برخی از آنها را روزهای عادی قرار داده است.
10و همه مردم از زمین هستند و آدم از زمین آفریده شده است.
11خداوند در دانش بسیار ایشان را تقسیم کرده و راههای ایشان را متنوع ساخته است.
12برخی از آنها را برکت و تعالی بخشید و برخی را تقدیس کرد و به خود نزدیک کرد ،اما برخی از آنها را نفرین کرد و پست کرد و از جاهای خود برگشت.
13همانطور که گل در دست سفالگر است تا آن را به دلخواه خود بسازد ،و انسان نیز در دست کسی است که او را ساخته است تا آنها را به بهترین نحو به آنها ببخشد.
14نیکی با بدی و زندگی در برابر مرگ قرار میگیرد.
15پس به همه اعمال حضرت عالی بنگر .و دو و دو وجود دارد ،یکی در برابر دیگری.
16من آخر از همه بیدار شدم ،مثل کسی که به دنبال انگور جمعآوری میکند .به برکت خداوند منفعت بردم و در چمن شراب خود مانند انگور جمعآوری میکردم.
17در نظر بگیرید که من نه تنها برای خودم ،بلکه برای همه کسانی که در جستجوی یادگیری هستند ،زحمت کشیدم.
18ای بزرگان قوم ،مرا بشنوید ،و ای سروران جماعت ،با گوشهای خود بشنوید.
19تا زمانی که زندگی میکنی ،پسر و همسرت ،برادر و دوستت را بر خود مسلط مکن ،و اموالت را به دیگری نده ،مبادا توبه کنی ،و تو دوباره همان را التماس کنی.
20تا زمانی که زنده ای و در خود نفس داری ،خودت را به هیچکس تسلیم نکن.
21زیرا بهتر است که فرزندانت تو را بجویند تا اینکه تو در برابر ادب آنها بایستی.
22در تمام کارهایت برتری خود را حفظ کن .لکه ای در شرافت خود باقی نگذاشتن
23در زمانی که روزهای خود را به پایان خواهی رساند و عمر خود را به پایان خواهی رساند ،میراث خود را تقسیم کن.
24علوفه و عصا و بار برای الاغ است .و نان و اصلاح و کار برای بنده.
25اگر غلام خود را به زحمت بیاندازی ،آرامش خواهی یافت ،اما اگر او را بیکار رها کنی ،به دنبال آزادی خواهد بود.
26یوغ و طوق گردن را خم میکنند و شکنجهها و عذابها نیز برای بنده بد است.

27او را به کار بفرست تا بیکار نباشد .زیرا که بطالت بدی زیادی را می آموزد.
28او را چنانکه شایسته اوست به کار بسپارید.
29اما نسبت به هیچکس افراط نکنید .و بدون اختیار هیچ کاری انجام نده
30اگر غلام داری ،برای تو مثل خودت باشد ،زیرا او را به بهایی خریدی.
31اگر غلام داری از او مانند برادر استدعا کن ،زیرا به او محتاج هستی ،چون به جان خودت نیاز داری.

مقاله34

1امیدهای انسان بیفهم بیهوده و باطل است و رویاها احمقان را بالا میبرد.
2هر که به رویاها توجه کند ،مانند کسی است که در سایه می افتد و به دنبال باد می رود.
3رؤیای رؤیا شباهت یک چیز به چیز دیگر است ،حتی مانند شباهت صورت به صورت.
4از چیز ناپاک چه چیزی پاک می شود؟ و از آن چیزی که باطل است چه حقیقتی حاصل می شود؟
5غیبگوییها و فالگوییها و رؤیاها بیهوده است و دل مانند دل زنی در هنگام زایمان خیال میکند.
6اگر در دیدار تو از جانب حق تعالی فرستاده نشدهاند ،دل خود را بر آنها معطوف نکن.
7زیرا رویاها بسیاری را فریب داده و بر آنها اعتماد کرده اند.
8شریعت بدون دروغ کامل میشود و حکمت برای دهان وفادار کمال است.
9مردی که سفر کرده است چیزهای زیادی می داند .و کسی که تجربه زیادی دارد حکمت را اعلام خواهد کرد.
10کسی که تجربه ندارد ،اندک میداند ،اما کسی که سفر کرده ،پر از احتیاط است.
11وقتی سفر کردم چیزهای زیادی دیدم .و من بیشتر از چیزی که بتوانم بیان کنم می فهمم.
12من اغلب در خطر مرگ بودم ،اما به خاطر این چیزها رهایی یافتم.
13روح کسانی که از خداوند می ترسند زنده خواهد شد .زیرا امید آنها به کسی است که آنها را نجات می دهد.
14هر که از خداوند بترسد ،نه بترسد و نه بترسد .زیرا او امید اوست.
15مبارک است جان کسی که از خداوند می ترسد .و قدرت او کیست؟
16زیرا که چشمان خداوند بر آنانی است که او را دوست میدارند ،او حافظ نیرومند و محل استحکام ایشان است ،دفاع از گرما ،و پوششی از آفتاب در ظهر ، محافظت از لغزش ،و یاری از سقوط.
17او روح را برمی انگیزد و چشم ها را روشن می کند و سلامتی و حیات و برکت می بخشد.
18کسی که چیزی را که به ناحق به دست آمده قربانی کند ،قربانی او مضحک است .و هدایای مردان ستمگر پذیرفته نمی شود.
19اعلی از هدایای شریر خشنود نیست .او با قربانی های فراوان برای گناه آرام نمی گیرد.
20هر کس از مال فقیر قربانی بیاورد ،مانند کسی است که پسر را در مقابل چشم پدرش بکشد.
21نان نیازمندان جان ایشان است و هر که او را از آن خیانت کند مرد خون است.
22کسی که جان همسایهاش را بگیرد ،او را میکشد .و کسی که کارگر مزد او را فریب دهد خونریز است.
۲۳وقتی یکی میسازد و دیگری خراب میکند ،چه سودی جز کار دارند؟
۲۴وقتی یکی دعا میکند و دیگری نفرین میکند ،خداوند صدای چه کسی را خواهد شنید؟
25کسی که بعد از لمس میت خود را بشوید ،اگر دوباره آن را لمس کند ،شستن او چه فایده ای دارد؟
26پس آیا برای کسی که برای گناهان خود روزه می گیرد و دوباره می رود و همین کار را می کند ،چه کسی دعای او را خواهد شنید؟ یا تواضع او چه سودی برای او دارد؟

مقاله35

1هر که شریعت را نگاه دارد ،قربانی به اندازه کافی می آورد ،هر که به فرمان توجه کند ،قربانی سلامتی تقدیم می کند.
2کسی که جبران خسارت میکند ،آرد خوب تقدیم میکند .و هر که صدقه می دهد ،قربانی می کند.
3دور شدن از شرارت امری پسندیده برای خداوند است .و ترک ظلم کفاره است.
4در حضور خداوند خالی ظاهر نشوید.
5زیرا همه اینها باید به خاطر فرمان انجام شود.
6هدایای عادل مذبح را فربه میسازد و بوی خوش آن در حضور حضرت عالی است.
۷قربانی مرد عادل پسندیده است .و یادبود آن هرگز فراموش نخواهد شد.
8خداوند را با چشم نیکو جلال ده و ثمره اول دستانت را کم مکن.
9در تمام هدایای خود چهره ای شاد نشان ده و دهک خود را با شادی وقف کن.
10همانگونه که او تو را غنی کرده است ،به اعلی عطا کن .و همانطور که گرفتی ،با چشمی شاد ببخش.
11زیرا خداوند پاداش می دهد و هفت برابر آن را به تو خواهد داد.
12با هدایا فاسد نکنید .و به قربانی های ناعادلانه اعتماد نکنید .زیرا خداوند قاضی است و هیچ احترامی نزد او نیست.
13او کسی را در برابر فقیر نمی پذیرد ،بلکه دعای مظلوم را می شنود.
14او دعای یتیمان را تحقیر نخواهد کرد .و نه بیوه زن وقتی شکایت خود را بر زبان می آورد.
15آیا اشک بر گونه های بیوه نمی ریزد؟ و آیا فریاد او بر علیه او نیست که آنها را به زمین می اندازد؟
16کسی که خداوند را خدمت میکند مورد لطف قرار میگیرد و دعایش تا ابرها خواهد رسید.
17دعای فروتن ابرها را سوراخ میکند و تا نزدیک نشود ،او تسلی نخواهد یافت .و از آنجا خارج نخواهد شد ،تا زمانی که حضرت اعلی نبیند که عادلانه قضاوت کند و داوری کند.
18زیرا خداوند سستی نخواهد کرد و قادر بر آنها شکیبا نخواهد بود تا اینکه کمر بیرحمان را شکسته و انتقام امتها را جبران کند .تا انبوه متکبران را از بین برد و عصای ستمکاران را شکست.
19تا اینکه به هر کس برحسب اعمالش و به اعمال انسان برحسب نیایششان ادا کرد .تا اینکه در مورد قوم خود قضاوت کرد و آنها را به رحمت خود شاد کرد.
20رحمت در زمان مصیبت ،مانند ابرهای باران در زمان خشکسالی ،فصلپذیر است.

مقاله36

1ای خداوند خدای همه ،بر ما رحم کن و ما را ببین.
2و ترس خود را بر تمام امتهایی که به دنبال تو نیستند بفرست.
3دست خود را بر امتهای غریب بلند کن و قدرت تو را ببینند.
4همانطور که در ما در حضور ایشان تقدیس شدی ،پس در میان ایشان پیش از ما بزرگوار باش.
5و تو را بشناسند ،چنانکه ما تو را شناختیم ،که خدایی جز تو نیست.
6آیات جدید نشان ده و شگفتیهای عجیب دیگر بنما :دست و بازوی راستت را جلال بده تا کارهای شگفت تو را بیان کنند.
7خشم را برانگیزید و خشم را بریزید ،دشمن را از بین ببرید و دشمن را نابود کنید.
8بهخاطر زمان کوتاه ،عهد را به خاطر بسپار و بگذار کارهای شگفتانگیز تو را اعلام کنند.
9هر که میگریزد در خشم آتش نابود شود .و آنانی که به مردم ستم می کنند هلاک شوند.
10سر فرمانروایان امتها را بکوبید که می گویند جز ما کسی نیست.
11تمام قبیلههای یعقوب را جمع کن و آنها را مانند از ابتدا به ارث ببر.
12خداوندا ،بر قومی که به نام تو خوانده میشود و بر اسرائیل که نخستزاده خود را نام نهادی ،رحم کن.
13به اورشلیم ،شهر مقدس خود ،محل استراحت خود ،رحم کن.
14سیون را از سخنان ناگفتنی خود پر کن و قوم خود را از جلال خود.
15به کسانی که از ابتدا مالکیت داشتهای شهادت بده و انبیایی را که به نام تو بودهاند برانگیز.
16منتظران تو پاداش ده تا انبیای تو وفادار شوند.
17خداوندا ،دعای بندگانت را برحسب برکت هارون بر قومت بشنو تا همه ساکنان زمین بدانند که تو خداوند ،خدای ابدی هستی.
18شکم همه گوشتها را می خورد ،اما یک گوشت بهتر از گوشت دیگر است.
19همانطور که کام انواع گوشت گوزن را می چشد ،دلی که سخنان دروغین را می فهمد.
20دل کثیف سنگینی میکند ،اما مرد باتجربه او را جبران میکند.
21زن هر مردی را خواهد پذیرفت ،اما یک دختر از دیگری بهتر است.
22زیبایی زن چهره را شاد می کند و مرد هیچ چیز را بهتر از آن دوست ندارد.
23اگر در زبان او مهربانی و نرمی و آسایش باشد ،شوهرش مانند مردان دیگر نیست.
24هر که زن بگیرد ،اموالي را آغاز میکند ،کمکي مانند خود و ستون آرامش.
25هرجا پرچین نباشد ،اموال در آنجا غارت میشود و کسی که زن نداشته باشد در سوگ سرگردان خواهد بود.
26چه کسی به دزدی که از شهری به شهر دیگر میپرد اعتماد میکند؟ پس چه کسی به کسی ایمان می آورد که خانه ندارد و در هر کجا که شب او را ببرد ، اقامت می کند؟

مقاله37

1هر دوستی می گوید :من هم دوست او هستم ،اما دوستی هست که فقط به نام دوست است.
2آیا هنگامی که همنشین و دوست به دشمن تبدیل شود ،اندوهی تا سرحد مرگ نیست؟
3ای خیال پلید ،از کجا آمدی تا زمین را به نیرنگ بپوشانی؟
4رفیقی است که از سعادت دوست خوشحال می شود ،اما در زمان سختی بر او خواهد بود.
5رفیقی است که به دوست خود برای شکم کمک میکند و سپر را در برابر دشمن میگیرد.
6دوست خود را در ذهن خود فراموش مکن و در ثروت خود از او غافل نباش.
7هر مشاوری نصیحت را تمجید می کند .اما برخی هستند که برای خود مشاوره می دهند.
8از مشاور بپرهیز و پیش از آن بدان که چه نیازی دارد .زیرا او برای خود مشورت خواهد کرد .مبادا قرعه را بر تو افکند،
9و به تو بگو ،راه تو نیکو است ،و پس از آن او در آن طرف ایستاده ،تا ببیند که چه بر تو خواهد آمد.
10با کسی که به تو ظن دارد مشورت مکن ،و مشورت خود را از کسانی که به تو حسادت میکنند پنهان کن.
۱۱با زنی که به او حسادت میکند ،مشورت نکن .نه با ترسو در مسائل جنگی .و نه با یک تاجر در مورد مبادله ;و نه با خریدار فروش .و نه با مرد حسود شکرگزار .و نه با مردی بی رحم که مهربانی را لمس می کند .و نه با تنبل برای هیچ کاری ;و نه با یک اجیر برای یک سال پایان کار .و نه با یک خدمتکار بیکار که زیاد کار می کند.
۱۲امّا پیوسته با مردی خداپرست باش که میدانی اوامر خداوند را نگاه میدارد ،که فکرش برحسب فکر تو است و اگر سقط کنی با تو اندوهگین خواهد شد.
۱۳و نصیحت دل تو باقی بماند ،زیرا هیچ کس به تو وفادارتر از آن نیست.
14زیرا ذهن آدمی گاه عادت دارد که بیش از هفت نگهبان به او بگوید که بالای برج بلند مینشینند.
15و مهمتر از همه اینها به حضرت عالی دعا کن تا راه تو را به راستی هدایت کند.
16عقل را قبل از هر کار و مشورت را قبل از هر کاری رها کنید.
17قیافه نشانه تغییر قلب است.
18چهار چیز ظاهر میشود :خیر و شر ،زندگی و مرگ ،اما زبان پیوسته بر آنها حکومت میکند.
19کسی است که عاقل است و به بسیاری تعلیم میدهد ،اما برای خود بیفایده است.
20کسی است که در کلام حکمت را نشان میدهد و مورد نفرت قرار میگیرد.
21زیرا فیض از جانب خداوند به او داده نمیشود ،زیرا از تمام حکمت محروم است.
22دیگری برای خود عاقل است .و ثمرات فهم در دهان او ستودنی است.
23مرد عاقل قوم خود را تعلیم میدهد .و ثمره درک او شکست نمی خورد.
24مرد عاقل از برکت پر خواهد شد .و هر که او را ببیند ،او را شاد خواهد شمرد.
25روزهای زندگی انسان شمرده میشود ،اما روزهای اسرائیل بیشمار است.
26مرد عاقل در میان قوم خود وارث جلال خواهد بود و نام او جاودان خواهد بود.
27پسرم ،جان خود را در زندگی خود ثابت کن و ببین چه چیزی برایش بد است و آن را به آن نده.
28زیرا همه چیز برای همه مردم سودمند نیست و هر نفسی از هر چیز لذت نمی برد.
29در هیچ چیز خوش طعم سیری نشوید و بر گوشت زیاد حریص نباشید.

30زیرا زیادهروی در گوشتها بیماری میآورد ،و پرخوری به وبا تبدیل میشود.
31بسیاری با غرق شدن هلاک شدند .اما کسی که توجه کند عمر خود را طولانی می کند.

مقاله38

1پزشک را به خاطر استفادههایی که ممکن است از او داشته باشید ،به احترام او گرامی بدارید ،زیرا خداوند او را آفریده است.
2زیرا که شفا از حضرت اعلی میآید ،و او از پادشاه عزت خواهد یافت.
3مهارت طبیب سر او را بلند خواهد کرد و در نظر مردان بزرگ تحسین خواهد شد.
4خداوند داروها را از زمین آفریده است .و دانا از آنها بیزاری نمی جوید.
5آیا آب با چوب شیرین نشد تا فضیلت آن معلوم شود؟
6و او به مردم مهارت داده است تا در کارهای شگفت انگیز خود مورد احترام قرار گیرد.
7او انسانها را با چنین شفا می بخشد و دردهای آنها را برطرف می کند.
8داروخانه از چنین چیزی شیرینی درست می کند .و کارهای او پایانی ندارد .و از اوست سلامتی بر تمامی زمین،
9پسرم ،در بیماری خود غفلت مکن ،بلکه برای خداوند دعا کن و او تو را شفا خواهد بخشید.
10گناه را رها کن و دستهایت را مرتب کن و دلت را از هر شرارت پاک کن.
11خوش طعم و یاد آرد مرغوب بدهید .و تقدیم فربه ،چون نیستی.
12سپس به پزشك بدهید ،زیرا خداوند او را آفریده است .نگذار از تو دور شود ،زیرا تو به او نیاز داري.
13زمانی است که در دستان آنها موفقیت خوبی وجود دارد.
14زیرا آنها همچنین به خداوند دعا خواهند کرد که او آن چیزی را که برای سهولت و چاره برای طولانیتر کردن عمر میدهند ،کامیاب کند.
15هر که در برابر خالق خود گناه کند ،به دست طبیب بیفتد.
16پسرم ،بگذار اشک بر مردگان جاری شود ،و شروع کن به زاری ،چنان که گویی به خودت صدمه بزرگی دیده ای .و بر طبق رسم بدنش را بپوشان و از دفن او غافل نشو.
17گریه تلخ ،و ناله بلند ،و مرثیه استفاده کنید ،آن گونه که او شایسته است ،و آن یک یا دو روز ،مبادا در مورد شما بد گفته شود ،و سپس خود را برای سنگینی خود تسلی دهید.
18زیرا از سنگینی مرگ می آید و سنگینی دل نیرو را می شکند.
19در مصیبت نیز اندوه باقی میماند و زندگی فقیر لعنت دل است.
20دلت را سنگین نکن ،آن را دور کن ،و آخر را عضو کن.
21آن را فراموش مکن ،زیرا دیگر بازگشتی نیست :به او نیکی نکن ،بلکه خودت را آزار بده.
22داوری من را به خاطر بیاور زیرا که تو نیز چنین خواهد بود .دیروز برای من و امروز برای تو
23چون مرده آرام است ،یاد او آرام گیرد .و هنگامی که روحش از او خارج شد برای او تسلی دهید.
24حکمت انسان دانا از فرصت فراغت به دست میآید و کسي که کسب و کار کم دارد عاقل خواهد شد.
25چگونه میتواند حکمتی به دست آورد که گاوآهن را نگه میدارد و در گاو شکوه میکند و گاو را می راند و به کار آنها مشغول است و صحبتش از گاو نر است؟
26او ذهن خود را به ایجاد شیار می دهد .و در دادن علوفه کین کوشا است.
27پس هر نجار و استادکار ،که شب و روز زحمت میکشد ،و آنان که مهر میزنند و قبر میکنند ،و کوشش میکنند تا تنوع زیادی ایجاد کنند ،و خود را به تصویرهای جعلی میسپارند ،و مراقب هستند تا کار را به پایان برسانند.
28آهنگر نیز کنار سندان نشسته و با توجه به کار آهن ،بخار آتش گوشت او را تباه میکند و با گرمای تنور میجنگد :صدای چکش و سندان همیشه در گوش اوست و چشم ها همچنان به الگوی چیزی که او می سازد نگاه می کنند .او ذهن خود را به پایان رساندن کار خود معطوف می کند و مراقب است که آن را کاملاً صیقل دهد:
29سفالگر که بر سر کار خود نشسته و چرخ را با پاهای خود میچرخاند ،همینطور است که همیشه با دقت در کار خود تنظیم میشود و همه کارهای خود را به شماره میکند.
30او گل را با بازوی خود میسازد و قوت خود را در برابر پاهایش فرو میآورد .او خود را برای هدایت آن به کار می گیرد .و او در تمیز کردن کوره کوشا است:
31همه اینها به دست خود اعتماد دارند و هر کس در کار خود حکیم است.
32بدون اینها شهری قابل سکونت نیست و در جایی که بخواهند ساکن نخواهند شد و بالا و پایین نخواهند رفت.
33آنها را در مشاوره عمومی جستجو نخواهند کرد و در جماعت بلند نخواهند نشست .آنها نباید بر صندلی قضات بنشینند و حکم قضاوت را درک نخواهند کرد .آنها نمی توانند عدالت و قضاوت را اعلام کنند .و در جایی که مثل ها گفته می شود ،یافت نمی شوند.
34اما آنها وضعیت جهان را حفظ خواهند کرد ،و تمام آرزوهایشان در کار صنعت آنهاست.

مقاله39

1اما کسی که ذهن خود را به شریعت حق تعالی می پردازد و به تفکر در آن مشغول است ،حکمت تمام افراد باستانی را جستجو خواهد کرد و به نبوت ها مشغول خواهد شد.
2او سخنان مردان نامدار را نگاه خواهد داشت و هر جا مَثَل های ظریف باشد ،او نیز آنجا خواهد بود.
3او اسرار احکام سنگین را جستجو خواهد کرد و در تمثیل های تاریک آگاه خواهد بود.
4او در میان مردان بزرگ خدمت خواهد کرد و در حضور امیران ظاهر خواهد شد .زیرا او خوبی ها و بدی ها را در میان مردم امتحان کرده است.
5او دل خود را خواهد داد تا زود به خداوندی که او را آفریده متوسل شود ،و در حضور حق تعالی دعا خواهد کرد و دهان خود را به دعا خواهد گشود و برای گناهانش تضرع خواهد کرد.
6هنگامی که خداوند بزرگ بخواهد ،از روح فهم پر خواهد شد :او جملات حکیمانه را بر زبان خواهد آورد و در دعای خود خداوند را شکر خواهد کرد.
7او نصیحت و دانش خود را هدایت خواهد کرد و در اسرار خود تفکر خواهد کرد.
8او آنچه را آموخته است آشکار خواهد کرد و در شریعت عهد خداوند تجلیل خواهد کرد.
9بسیاری عقل او را تحسین خواهند کرد .و تا زمانی که جهان پابرجاست ،محو نخواهد شد .یاد او از بین نخواهد رفت و نام او نسل به نسل زنده خواهد ماند.
10ملل حکمت او را آشکار خواهند کرد و جماعت ستایش او را اعلام خواهند کرد.

11اگر بمیرد ،نامی بزرگتر از هزار باقی خواهد گذاشت و اگر زنده بماند ،آن را زیاد خواهد کرد.
12اما من چیزهای بیشتری برای گفتن دارم که در مورد آنها فکر کرده ام .زیرا من مانند ماه پر شده ام.
13ای فرزندان مقدّس به من گوش دهید و مانند گل سرخی که در کنار نهر صحرا می روید جوانه بزنید.
14و مانند کندر رایحه ای خوش ببخشید و مانند زنبق شکوفا شوید و بو بفرستید و سرود ستایش بخوانید و خداوند را در همه کارهایش برکت دهید.
15نام او را بزرگ گردانید و تسبیح او را با سرودهای لب و چنگ بر زبان جاری کنید و در ستایش او به این ترتیب بگویید:
16تمام اعمال خداوند بسیار خوب است و هر چه او امر کند در موعد مقرر انجام خواهد شد.
17و هیچ کس نمی تواند بگوید که این چیست؟ به همین دلیل است؟ زیرا در زمان مناسب همه آنها را جستجو خواهند کرد .به فرمان او آبها به صورت توده ای می ایستد و به سخنان دهان او ظرف های آب.
18هر چه او را پسندیده به فرمان او انجام میدهد .و هیچ کس نمی تواند مانع شود ،زمانی که او نجات دهد.
19اعمال همه انسانها در برابر اوست و هیچ چیز از چشم او پنهان نمی ماند.
20او از ازل تا ابد می بیند .و هیچ چیز شگفت انگیزی در برابر او وجود ندارد.
21لازم نیست مرد بگوید این چیست؟ به همین دلیل است؟ زیرا او همه چیز را برای استفاده آنها ساخته است.
22برکت او زمین خشک را مانند رودخانه پوشاند و آن را مانند سیل سیراب کرد.
23همانطور که آبها را به شوری تبدیل کرده است ،امتها نیز وارث خشم او خواهند بود.
24چنانکه راههای او برای قدوس آشکار است .آنها نیز برای ستمکاران مانعی هستند.
25زیرا نیکوها چیزهای نیکو هستند که از ابتدا آفریده شده اند ،و چیزهای بد برای گناهکاران.
۲۶چیزهای اصلی برای تمام زندگی انسان عبارتند از آب و آتش و آهن و نمک و آرد گندم و عسل و شیر و خون انگور و روغن و لباس.
27همه این چیزها برای پرهیزگاران به نفع است ،بنابراین برای گناهکاران به شر تبدیل می شوند.
28ارواح برای انتقام آفریده شدهاند که در خشم خود بر سکتههای دردناک میخوابند .در زمان نابودی ،نیروی خود را می ریزند و خشم او را که آنها را ساخته است ،فرو می نشانند.
29آتش و تگرگ و قحطی و مرگ همه اینها برای انتقام آفریده شدند.
30دندان حیوانات وحشی و عقربها و مارها و شمشیر که شریران را به هلاکت میرسانند.
31آنها از فرمان او خوشحال خواهند شد و در صورت نیاز روی زمین آماده خواهند بود .و چون زمان آنها فرا رسد ،از قول او تجاوز نخواهند کرد.
32بنابراین من از ابتدا مصمم بودم و به این چیزها فکر کردم و آنها را مکتوب گذاشتم.
33تمام اعمال خداوند نیکو است و هر چیزی را که لازم است در موعد مقرر خواهد داد.
34به طوری که انسان نمی تواند بگوید این بدتر از آن است زیرا به مرور زمان همه آنها مورد تأیید قرار خواهند گرفت.
35و از این رو خداوند را با تمام دل و دهان ستایش کنید و نام خداوند را برکت دهید.

مقاله40

1برای هر مردی زحمات بزرگی آفریده شده است و یوغ سنگینی بر فرزندان آدم است از روزی که از شکم مادر خود بیرون میآیند تا روزی که به مادر همه چیز باز میگردند.
2خیالشان از چیزهای آینده و روز مرگ ،افکارشان را آزار میدهد و دلها را میترساند.
3از کسی که بر تخت جلال مینشیند ،به او که در خاک و خاکستر فروتن است.
4از کسی که ارغوانی و تاج میپوشد تا آن که جامه کتان میپوشد.
5غضب و حسد و دردسر و بیآرامی و ترس از مرگ و خشم و نزاع و در هنگام استراحت بر بستر خواب شبانهاش دانش او را تغییر میدهد.
6آرامی او اندکی است یا هیچ ،و پس از آن در خواب است ،مانند روز نگهبانی ،و در دید دل خود مضطرب است ،گویی از جنگ فرار کرده است.
۷وقتی همه چیز در امان است ،بیدار میشود و از این که ترس چیزی نبود ،شگفتزده میشود.
8چنین چیزهایی برای همه جسم ،اعم از انسان و حیوان اتفاق میافتد ،و این برای گناهکاران هفت برابر بیشتر است.
9مرگ و خونریزی و نزاع و شمشیر و بلاها و قحطی و مصیبت و تازیانه.
10این چیزها برای شریران آفریده شده است و به خاطر آنها سیل آمد.
11هر چه از زمین است دوباره به زمین خواهد گشت و آنچه از آب است به دریا باز می گردد.
12همه رشوهها و بیعدالتیها محو میشود ،اما رفتار راستین تا ابد باقی خواهد ماند.
13اموال ستمکاران مانند نهر خشك خواهد شد و با سر و صدا محو خواهد شد ،مانند رعد و برق بزرگ در باران.
14هنگامی که دست خود را باز میکند ،شادی میکند.
15بنی بی دینان شاخه های زیادی نخواهند آورد ،بلکه مانند ریشه های ناپاک بر صخره سخت هستند.
16علف هرزی که بر هر آب و هر ساحل رود می روید باید در برابر همه علف ها کنده شود.
17انفاق مانند باغ پربار است و رحمت تا ابدالاباد است.
18کار کردن و راضی بودن به آنچه انسان دارد ،زندگی شیرینی است ،اما کسی که گنجی بیابد بالاتر از هر دوی آنهاست.
19فرزندان و بنای شهر نام مرد را ادامه میدهند ،اما زن بیعیب بالاتر از هر دو به حساب میآید.
20شراب و آهنگ دل را شاد می کند ،اما عشق به حکمت بالاتر از هر دو است.
21پیپ و سرود نغمهای شیرین میسازند ،اما زبانی دلنشین بالای هر دو است.
22چشم تو خواهان فیض و زیبایی است ،اما از هر دو ذرت در حالی که سبز است بیشتر میخواهد.
23دوست و همراه هرگز بد به هم نمیرسند ،بلکه بالاتر از هر دو ،زن با شوهرش است.
24برادران و یاریها در برابر زمان مصیبت است ،اما صدقه از هر دو بیشتر خواهد بود.
25طلا و نقره پا را مطمئن میسازد ،اما نصیحت از هر دوی آنها ارجمندتر است.
26ثروت و قوت قلب را بالا میبرد ،اما ترس خداوند بالاتر از هر دوی آنهاست .ترس از خداوند هیچ کمبودی نیست و نیازی به یاری نیست.
27ترس خداوند باغی پربار است و او را از هر جلال فراتر میبرد.
28پسرم ،زندگی گدا نکن .مردن بهتر از گدایی است.
29زندگی کسی که به سفره مرد دیگر وابسته است برای یک زندگی به حساب نمی آید .زیرا او خود را با گوشت دیگران آلوده می کند ،اما مرد عاقل که خوب پرورش یافته باشد از آن بر حذر است.
30التماس در دهان بی شرم شیرین است ،اما در شکم او آتشی خواهد سوزاند.

مقاله41

1ای مرگ ،چه تلخ است یاد تو برای مردی که در اموال خود آرام است ،برای کسی که چیزی برای آزارش ندارد ،و در همه چیز سعادتمند است :آری ،برای کسی که هنوز قادر به دریافت است .گوشت!
2ای مرگ ،حکم تو برای نیازمندان ،و برای کسی که قدرتش از دست میرود ،که اکنون در آخرین عصر است ،و از همه چیز مضطرب است ،و برای کسی که ناامید است و شکیبایی خود را از دست داده ،پسندیده است!
3از حکم مرگ نترس ،کسانی را که قبل از تو بودهاند و بعد از تو به یاد آوری .زیرا این حکم خداوند بر تمام جسم است.
4و چرا مخالف خشنودی حق تعالی هستی؟ در قبر تفتیش عقاید نیست ،خواه ده سال زندگی کرده ای ،یا صد ،یا هزار سال.
5فرزندان گناهکاران فرزندان مکروهند و آنانی که در خانه بی دینان آگاهند.
6میراث فرزندان گناهکاران از بین خواهد رفت و فرزندان ایشان ننگ ابدی خواهند داشت.
۷بچهها از پدری بیخدا شکایت خواهند کرد ،زیرا به خاطر او مورد ملامت قرار خواهند گرفت.
8وای بر شما ای مردان بی خدا که شریعت خدای متعال را ترک کرده اید !زیرا اگر زیاد شوید ،به هلاکت خواهد رسید.
9و اگر به دنیا بیایید ،برای نفرین متولد خواهید شد ،و اگر بمیرید ،لعنت نصیب شما خواهد شد.
10هر که از زمین است دوباره به زمین خواهد رفت ،پس ستمکاران از لعنت به هلاکت خواهند رفت.
11ماتم انسانها در مورد بدن ایشان است ،اما نام بد گناهکاران محو خواهد شد.
12به نام خود توجه کن .زیرا با تو در بالای هزار گنج بزرگ طلا باقی خواهد ماند.
13زندگی نیکو روزهای کمی دارد ،اما نام نیک تا ابدالاباد است.
14فرزندان من ،ادب را در آرامش حفظ کنید ،زیرا حکمت پنهان و گنج نادیده ،هر دو چه سودی دارند؟
15کسی که حماقت خود را پنهان کند بهتر از کسی است که خرد خود را پنهان کند.
16پس طبق قول من خجالت بکشید زیرا خوب نیست که تمام شرم را حفظ کنید .نه در همه چیز به طور کلی تایید شده است.
17از فحشا در برابر پدر و مادر شرم کنید و از دروغ در برابر شاهزاده و مرد قدرتمند.
18از جنایت در برابر قاضی و حاکم .گناه در برابر جماعت و مردم؛ رفتار ناعادلانه در برابر شریک و دوستت.
19و دزدی در مورد مکانی که در آن اقامت داری و در مورد راستی خدا و عهد او .و با آرنجت به گوشت تکیه کنی .و از تحقیر دادن و گرفتن.
20و در برابر کسانی که به تو سلام می کنند ،سکوت کن .و نگاه کردن به یک فاحشه.
21و روی خود را از خویشاوندت برگردانی .یا برداشتن یک بخش یا هدیه ;یا به زن مرد دیگری خیره شود.
22یا با کنیز خود بیش از حد مشغول شود و به بستر او نزدیک نشود .یا سخنرانی های توهین آمیز در برابر دوستان .و بعد از اینکه دادی ،سرزنش مکن.
23یا از تکرار و گفتن آنچه شنیدی .و افشای اسرار
24پس تو واقعاً شرمنده خواهی شد و نزد همه مردم فیض خواهی یافت.

مقاله42

1از این چیزها خجالت نکش و هیچ کس را قبول نکن که به آن گناه کند:
2از شریعت حضرت عالی و عهد او .و قضاوت برای عادل شمرده شدن کافر.
3از حساب با شرکا و مسافرانت .یا از هدیه میراث دوستان;
4از دقت تعادل و وزن ;یا زیاد یا کم گرفتن;
5و از فروش بی تفاوت بازرگانان .اصلاح زیاد کودکان؛ و پهلوی بنده ای بد را خون کند.
6یقیناً در جایی که زن بدکار است ،حفظ نیکی است .و خفه شو ،جایی که دستان بسیاری است.
7همه چیز را به تعداد و وزن تحویل دهید .و همه آنچه را که می دهید یا دریافت می کنید به صورت مکتوب بنویسید.
8از آگاه کردن افراد نادان و احمق و سالخوردگان افراطی که با جوانها ستیزه میکنند ،خجالت نکشید؛ بدینگونه حقیقتاً دانشمند و مورد تأیید همه انسانهای زنده خواهید بود.
9پدر برای دختر بیدار می شود ،در حالی که هیچ کس نمی داند .و مراقبت از او خواب را از بین می برد .و متاهل بودن ،مبادا مورد تنفر قرار گیرد:
10در باکرگی خود ،مبادا نجس شود و در خانه پدرش باردار شود .و شوهر داشتن ،مبادا خود را بد رفتار کند .و چون ازدواج کرد ،مبادا عقیم شود.
۱۱مراقب دختر بیشرم باش ،مبادا تو را مایه تمسخر دشمنانت ،و در شهر سرزنش کند ،و در میان مردم مایهی سرزنش شود ،و تو را در برابر جمعیت شرمنده سازد.
12زیبایی هر بدن را نبینید و در میان زنان ننشینید.
13زیرا از جامه پروانه می آید و از زنان شرارت.
14من می گویم که حیای مرد از زن مودب بهتر است ،زن که شرمساری و سرزنش است.
15اکنون اعمال خداوند را به یاد خواهم آورد و چیزهایی را که دیدهام اعلام خواهم کرد :اعمال او در کلام خداوند است.
16خورشیدی که نور می دهد به همه چیز می نگرد و کار آن مملو از جلال خداوند است.
17خداوند به مقدسین قدرت نداده است که همه کارهای شگفتانگیز خود را که خداوند قادر مطلق آنها را ثابت کرده است ،اعلام کنند تا هر چه است برای جلال او استوار شود.
18او اعماق و دلها را میجوید و نیرنگهای آنها را در نظر میگیرد ،زیرا خداوند همه آنچه را میتوان دانست میداند و نشانههای جهان را مینگرد.
19او چیزهای گذشته و آینده را اعلام میدارد و گامهای چیزهای پنهان را آشکار میسازد.
20هیچ فکری از او دور نمیشود و هیچ سخنی از او پنهان نمیماند.
21او کارهای عالی حکمت خود را آراسته است ،و او از ازل تا ابد است .ممکن است چیزی بر او افزوده نشود ،و او به هیچ مشاوری نیاز ندارد.
22آه چقدر همه کارهای او پسندیده است !و تا یک مرد حتی یک جرقه را ببیند.
23همه این چیزها برای همیشه زنده میمانند و برای همه استفادهها باقی میمانند و همگی مطیع هستند.
24همه چیز در برابر یکدیگر دو برابر است و او هیچ چیز را ناقص نکرده است.
25یک چیز خیر را استوار می کند یا چیز دیگری :و چه کسی با دیدن جلال او پر خواهد شد؟

مقاله43

1غرور بلندی ،فلک زلال ،زیبایی بهشت با نمایش باشکوه او.
2خورشید هنگامی که ظاهر میشود و طلوع او را ابزاری شگفتانگیز میگوید که کار خدای متعال است.
3هنگام ظهر کشور را میسوزاند ،و چه کسی میتواند گرمای سوزان آن را تحمل کند؟
4مردی که در کوره می دمد در گرما است ،اما خورشید کوه ها را سه برابر بیشتر می سوزاند .دمیدن بخارهای آتشین و فرستادن پرتوهای درخشان ،چشم را تیره می کند.
5خداوندی که آن را ساخته بزرگ است .و به فرمان او شتابان می دود.
6او ماه را نیز برای خدمت در زمان خود برای اعلام زمان و نشانه ای از جهان ساخت.
۷از ماه نشانه اعیاد است ،نوری که در کمال او کاهش می یابد.
8ماه به نام او نامیده میشود و در تغییرش به طرز شگفتانگیزی افزایش مییابد و ابزار لشکرهای بالاست و در فلک آسمان میدرخشد.
9زیبایی بهشت ،جلال ستارگان ،زینتی که در بلندترین مکانهای خداوند روشنایی میدهد.
10به فرمان قدوس در نظم خود خواهند ایستاد و هرگز در دیده بانی غش نخواهند کرد.
11به رنگین کمان بنگر و او را که آن را ساخته است ستایش کن .بسیار زیبا در روشنایی آن است.
12آسمان را با دایرهای با شکوه احاطه کرده است و دستان حق تعالی آن را خم کرده است.
13به فرمان او برف را میباراند و برقهای داوری خود را به سرعت میفرستد.
14از این طریق گنجها گشوده میشوند و ابرها مانند پرندگان به پرواز در میآیند.
15با قدرت عظیم خود ابرها را استوار میسازد و تگرگها را کوچک میشکند.
16در نظر او کوهها متزلزل می شوند و به خواست او باد جنوب می وزد.
17صدای رعد زمین را به لرزه میاندازد ،طوفان شمال و گردباد نیز مانند پرندگانی که پرواز میکنند برف را پراکنده میکند و ریزش آن مانند روشنایی ملخ است.
18چشم از زیبایی سفیدی آن شگفت زده می شود و دل از باران آن متحیر می شود.
19یخبندان را نیز مانند نمک بر زمین میریزد و چون پُر میشود ،بر بالای چوبهای تیز مینشیند.
20هنگامی که باد سرد شمالی می وزد و آب به صورت یخ انباشته می شود ،بر هر مجموعه ای از آب می ماند و آب را مانند سینه بند می پوشاند.
۲۱کوهها را میبلعد و بیابان را میسوزاند و علفها را مانند آتش میسوزاند.
22علاج کنونی همه ،غباری است که بهسرعت میآید ،شبنمی است که پس از تازه شدن گرما میآید.
23با نصیحت خود اعماق را آرام میکند و جزایر را در آن میکارد.
24آنانی که در دریا میروند از خطر آن خبر میدهند .و چون آن را با گوش خود می شنویم از آن شگفت زده می شویم.
25زیرا در آن آثار عجیب و شگفتانگیزی پدید میآید ،و انواع حیوانات و نهنگها آفریده میشود.
26بهوسیلهی او عاقبت ایشان کامیاب میشود ،و همه چیز به کلام او ثابت میشود.
27ما ممکن است بسیار صحبت کنیم ،اما کوتاه بیایم ،بنابراین در مجموع ،او همه است.
28چگونه میتوانیم او را بزرگ کنیم؟ زیرا او بیش از همه کارهایش بزرگ است.
29خداوند هولناک و بسیار بزرگ است و قدرت او شگفت انگیز است.
30هنگامی که خداوند را تجلیل می کنید ،او را تا آنجا که می توانید تجلیل کنید .زیرا او بسیار فراتر خواهد رفت .زیرا شما هرگز نمی توانید به اندازه کافی دور بروید.
31چه کسی او را دیده تا به ما بگوید؟ و چه کسی می تواند او را آنگونه که هست بزرگ کند؟
32هنوز چیزهای بزرگتر از اینها پنهان است ،زیرا ما جز اندکی از کارهای او را دیده ایم.
33زیرا خداوند همه چیز را آفریده است .و به پرهیزگاران حکمت داده است.

مقاله44

۱اکنون مردان نامدار و پدران خود را که ما را زاییدهاند ستایش کنیم.
2خداوند از ابتدا به وسیله آنها به وسیله قدرت عظیم خود جلال عظیمی به وجود آورده است.
3مانند مردانی که در پادشاهیهای خود حکومت کردند ،مردانی که به قدرت خود مشهور بودند ،با فهم خود نصیحت میکردند و نبوتها را اعلام میکردند.
4رهبران مردم با نصیحت و علم عبرت برای مردم ملاقات میکنند ،دستورهایشان حکیمانه و فصیح است.
5مانند آن که آهنگهای موسیقی را یافت و ابیاتی را به صورت مکتوب خواند:
6مردان ثروتمندی که دارای توانایی هستند و در مسکن خود با آرامش زندگی می کنند:
7همه اینها در نسلهای خود مورد احترام بودند و جلال زمان خود بودند.
8از آنها هستند که نامی از خود به جای گذاشتهاند تا ستایشهایشان گزارش شود.
9و برخی هستند که هیچ یادگاری ندارند .که هلاک شده اند ،گویی هرگز نبوده اند .و طوری می شوند که انگار هرگز متولد نشده اند .و فرزندانشان پس از آنها.
10اما اینها مردان مهربانی بودند که عدالتشان فراموش نشده است.
11با ذریت ایشان پیوسته میراث نیکو باقی خواهد ماند و فرزندان ایشان در عهد هستند.
۱۲ذریت ایشان و فرزندان ایشان به خاطر ایشان ایستادهاند.
13ذرات ایشان تا ابد باقی خواهند ماند و جلال ایشان محو نخواهد شد.
14اجساد آنها در آرامش دفن شده است .اما نام آنها تا ابد زنده است.
15مردم از حکمت خود خواهند گفت و جماعت ستایش خود را خواهند گفت.
16خنوخ خداوند را خشنود کرد و ترجمه شد و نمونهای از توبه برای همه نسلها بود.
17نوح کامل و عادل یافت شد .در زمان غضب او را در عوض دنیا گرفتند .پس چون طوفان آمد ،او به عنوان باقیمانده بر روی زمین باقی ماند.
18با او عهد جاودانی بسته شد که دیگر همه انسانها در طوفان هلاک نشوند.
19ابراهیم پدر بزرگ مردم بسیاری بود.
20که شریعت حضرت اعلی را نگاه داشت و با او عهد بسته بود .و چون ثابت شد ،وفادار یافت.

21پس با سوگند به او اطمینان داد که اقوام را در ذریت خود برکت خواهد داد و او را مانند خاک زمین زیاد خواهد کرد و ذریت او را مانند ستارگان برافراشته و آنها را از دریا به دریا به ارث خواهد برد .و از رودخانه تا انتهای زمین.
22و با اسحاق نیز به خاطر پدرش ابراهیم برکت همه مردم و عهد را برقرار کرد و آن را بر سر یعقوب قرار داد .او را در نعمتش تصدیق کرد و میراثی به او بخشید و سهمش را تقسیم کرد .او آنها را در میان دوازده قبیله تقسیم کرد.

مقاله45

1و از او مردی رحیم بیرون آورد که در نظر همه انسانها فیض یافت ،یعنی موسی ،محبوب خدا و مردم ،که یادش مبارک است.
2او را مانند مقدّسین جلال قرار داد و او را بزرگ ساخت تا دشمنانش از ترس او ایستادند.
3با سخنان خود شگفتی ها را متوقف ساخت و او را در نظر پادشاهان جلال بخشید و برای قوم خود به او فرمان داد و بخشی از جلال خود را به او نشان داد.
4او را در بیوفا و حلیمش تقدیس کرد و او را از بین همه مردم برگزید.
5او را به شنیدن صدای او واداشت ،و او را به ابر تاریک آورد ،و در حضور او احکامی به او داد ،یعنی شریعت زندگی و دانش ،تا عهدهای خود را به یعقوب و داوری های خود را به اسرائیل بیاموزد.
6او هارون را که مرد مقدسی مانند او بود ،برادرش از قبیله لاوی را تجلیل کرد.
7با او عهد جاودانی بست و در میان قوم به او کهانت داد .او را با زیورآلات زیبا آراست و جامه جلال بر او پوشاند.
8او جلال کامل را بر او نهاد .و او را با جامه های گرانبها ،با شلوار ،جامه بلند و اپود تقویت کرد.
9و او را با انارها و با ناقوسهای طلایی بسیار در اطراف احاطه کرد تا چون میرفت صدایی درآید و صدایی در معبد شنیده شود تا یادی برای فرزندان قوم او باشد.
10با جامهی مقدس با طلا و ابریشم آبی و ارغوانی ،کار گلدوزی ،با سینهپوش داوری ،و با اوریم و تومیم.
11با قرمز تابیده ،کار مرد حیلهگر ،با سنگهای قیمتی تراشیدهشده مانند مهر ،و با طلا ،کار جواهرساز ،با نوشتهای حکاکی شده برای یادبود ،بر حسب تعداد قبایل اسرائیل.
12او تاجی از طلا بر میتر گذاشت که در آن قداست ،زینت شرافت ،کاری گرانقیمت ،آرزوهای چشمها ،نیکو و زیبا نقش بسته بود.
13قبل از او چنین نبود ،و هیچ غریبه ای آنها را نپوشید ،بلکه فقط فرزندان او و فرزندان فرزندان او همیشه.
14قربانیهای ایشان هر روز دو مرتبه به طور کامل مصرف شود.
15موسی او را تقدیس کرد و با روغن مقدّس مسح کرد .این به عهد جاودانی برای او و برای نسل او مقرر شد تا زمانی که آسمانها باقی می مانند تا او را خدمت کنند و منصب کهانت را انجام دهند .و به نام او بر مردم مبارک باد.
16او را از میان تمام مردمان زنده برگزید تا برای خداوند قربانیها و بخور و بوی خوش بگذراند تا برای قوم خود آشتی کند.
17و اوامر خود را به او داد و در احکام و اقتدار داد تا شهادات را به یعقوب بیاموزد و قوانین خود را به اسرائیل اطلاع دهد.
18غریبهها علیه او توطئه کردند و او را در بیابان بدگویی کردند ،حتی مردانی که از طرف داتان و ابیرون و جماعت کور بودند ،با خشم و غضب.
19خداوند این را دید و او را خشمگین ساخت و در غضب خشم او هلاک شدند .او معجزاتی بر ایشان کرد تا آنها را با شعله آتش سوزاند.
20اما او هارون را محترمتر ساخت و میراثی به او بخشید و ثمرهای اولیه را برای او تقسیم کرد .مخصوصاً نان را به وفور تهیه کرد:
21زیرا از قربانیهای خداوند که به او و نسل او داد میخورند.
22امّا در زمین قوم نه میراثی داشت و نه سهمی در میان قوم ،زیرا که خداوند خود سهم و میراث اوست.
23سومین نفر در جلال ،فینیس بن العازار است ،زیرا او در ترس خداوند غیرت داشت و با دلیری خوب برخاست ،چون قوم به عقب برگشتند و برای اسرائیل آشتی کردند.
24پس با او عهد صلح بسته شد که رئیس قدس و قوم خود باشد و او و فرزندانش تا ابد از منزلت کهانت برخوردار باشند.
25طبق عهدی که با داوود بن یسی از قبیله یهودا بسته شد که میراث پادشاه فقط به نسل او باشد و میراث هارون نیز به فرزندان او باشد.
۲۶خداوند به شما حکمتی در دلتان عطا کند تا قومش را به عدالت داوری کنید تا چیزهای خوبشان از بین نرود و جلالشان تا ابد پایدار بماند.

مقاله46

۱عیسی پسر ناوی در جنگها دلیر بود و جانشین موسی در نبوتها بود ،که بنا به نامش برای نجات برگزیدگان خدا و انتقام گرفتن از دشمنانی که بر ضد آنها قیام کردند ،بزرگ شد .تا اسرائیل را در میراث آنها قرار دهد.
2او چه جلال عظیمی یافت ،چون دستهای خود را بلند کرد و شمشیر خود را بر شهرها دراز کرد.
3چه کسی قبل از او چنین ایستادگی کرد؟ زیرا خداوند خود دشمنان خود را نزد او آورد.
4آیا خورشید به وسیله خود برنگشت؟ و یک روز به اندازه دو نبود؟
5هنگامی که دشمنان از هر طرف بر او فشار آوردند ،خداوند متعال را خواند .و پروردگار بزرگ او را شنید.
6و با تگرگهای نیرومند نبرد را به شدت بر ملتها فرود آورد ،و در نزول بیتحورون آنانی را که مقاومت میکردند هلاک کرد تا قومها تمام قدرت خود را بدانند ،زیرا او در نظر خداوند جنگید .و او از آن بزرگ پیروی کرد.
7در زمان موسی نیز او و کالیب پسر یفونه کار رحمت کردند ،به این ترتیب که در مقابل جماعت ایستادگی کردند و قوم را از گناه باز داشتند و زمزمه های بدکاران را آرام کردند.
8و از ششصد هزار نفر پیاده ،دو نفر حفظ شدند تا آنها را به میراث وارد کنند ،حتی به سرزمینی که شیر و عسل جاری است.
9خداوند به کالیب نیز قوت بخشید که تا پیری با او باقی ماند ،به طوری که به مکانهای بلند زمین وارد شد و نسل او آن را به عنوان میراث به دست آورد.
10تا همه بنی اسرائیل ببینند که پیروی از خداوند خوب است.
11و در مورد داوران ،هر کس به نام که دلش فحشا نرفت و از خداوند دور نشد ،یاد ایشان مبارک باد.
12استخوانهای ایشان از جایشان شکوفا شوند ،و نام کسانی که مورد احترام قرار گرفتند ،بر فرزندانشان ماندگار شود.
13سموئیل ،نبی خداوند ،محبوب خداوند خود ،پادشاهی تأسیس کرد و بر قوم خود امیرانی مسح کرد.
14او بر طبق شریعت خداوند جماعت را داوری کرد و خداوند نسبت به یعقوب احترام قائل بود.
15با وفاداری خود ،نبی حقیقی یافت شد ،و با کلام خود به وفاداری در رؤیا شناخته شد.
16هنگامی که دشمنانش از هر طرف بر او فشار می آوردند ،هنگامی که بره شیرخوار را تقدیم می کرد ،خداوند توانا را خواند.
17و خداوند از آسمان رعد و برق زد و با صدای بلند صدای خود را شنید.
18و فرمانروایان تیریان و جمیع امرای فلسطینیان را هلاک کرد.
19و قبل از خواب طولانی خود ،در نظر خداوند و مسحشدگانش اعتراض کرد ،من اموال هیچکس را به اندازه یک کفش نگرفتم ،و کسی او را متهم نکرد.
20و پس از مرگ خود نبوت کرد و پایان خود را به پادشاه نشان داد و صدای خود را به نبوت از زمین بلند کرد تا شرارت مردم را محو کند.

مقاله47

1و پس از او ناتان برخاست تا در زمان داوود نبوت کند.
2همانطور که چربی از قربانی سلامتی برداشته شد ،داود نیز از بین بنی اسرائیل برگزیده شد.
3با شیرها مثل بچهها و با خرسها مثل برهها بازی میکرد.
4در حالی که هنوز جوان بود غول را نکشته؟ و هنگامی که دست خود را با سنگ در بند بلند کرد و فخر جالوت را شکست ،سرزنش را از مردم نگرفت؟
5زیرا او خداوند متعال را خواند .و او را در دست راست خود نیرو داد تا آن جنگجوی توانا را بکشد و شاخ قوم خود را برپا کند.
6پس قوم او را با ده هزار تن ستایش کردند و او را در برکات خداوند ستایش کردند و تاج جلال به او داد.
7زیرا که دشمنان را از هر طرف هلاک کرد و فلسطینیان را دشمنان خود را باطل ساخت و شاخ ایشان را تا امروز شکست.
8او در تمام کارهای خود قدس را با کلمات جلال ستایش میکرد .با تمام قلبش آهنگ می خواند و او را که او را ساخته بود دوست داشت.
9و آواز خوانان را نیز در مقابل مذبح قرار داد تا با آوازهای خود نغمه دلپذیر بسازند و هر روز در سرودهای خود ستایش کنند.
10او اعیاد ایشان را زینت بخشید و اوقات رسمی را تا آخر ترتیب داد تا نام مقدس او را ستایش کنند و هیکل از صبح به صدا درآید.
11خداوند گناهان او را زدود و شاخ او را برای همیشه بالا برد و عهد پادشاهان و تخت جلال در اسرائیل به او داد.
12پس از او پسر حکیمی برخاست و به خاطر او ساکن شد.
13سلیمان در زمان صلح سلطنت کرد و مورد احترام قرار گرفت .زیرا خداوند اطراف او را آرام کرد تا خانه ای به نام او بسازد و قدس خود را برای همیشه آماده کند.
14در جوانی چه عاقل بودی و چون سیل سرشار از فهم بودی!
15جان تو تمام زمین را پوشانده و آن را با مَثَل های تاریک پر کردی.
16نام تو به جزایر بسیار رسید .و برای آرامش تو محبوب بودی.
17کشورها به خاطر سرودها و ضرب المثلها و مثلها و تعبیرهایت از تو شگفت زده شدند.
18به نام یهوه خدا که یهوه خدای اسرائیل نامیده می شود ،طلا را مانند قلع جمع کردی و نقره را مانند سرب زیاد کردی.
19کمر خود را به زنان تعظیم کردی و به وسیله بدنت مطیع شدی.
20آبروی خود را لکه دار کردی و ذریت خود را آلوده ساختی ،به طوری که بر فرزندانت خشم آوردی و از حماقت خود غمگین شدی.
21پس پادشاهی تقسیم شد و از افرایم یک پادشاهی سرکش حکومت کرد.
22امّا خداوند هرگز رحمت خود را ترک نخواهد کرد ،و هیچ یک از کارهای او از بین نخواهد رفت ،و نسل برگزیدگان خود را از بین نخواهد برد ،و نسل کسی را که او را دوست دارد ،نخواهد برد .و از او ریشه ای برای داوود.
23و به این ترتیب سلیمان با پدران خود آرام گرفت و از نسل خود رُبعام را که حماقت قوم و بیفهم بود را پشت سر گذاشت که با مشورت خود قوم را برگرداند .یربعام پسر نباط نیز بود که اسرائیل را به گناه واداشت و راه گناه را به افرایم نشان داد.
24و گناهان ایشان بسیار زیاد شد که از زمین رانده شدند.
25زیرا آنها در جستجوی تمام شرارت بودند تا اینکه انتقام بر ایشان نازل شد.

مقاله48

1سپس الیاس نبی مانند آتش برخاست و کلام او مانند چراغی سوخت.
2قحطی سختی بر ایشان آورد و با غیرت خود تعدادشان را کم کرد.
3به کلام خداوند آسمان را بست و سه بار آتش فرود آورد.
4ای الیاس ،چه قدر در اعمال شگفت انگیزت محترم بودی !و چه کسی می تواند مانند تو شکوه کند!
5که مردهای را از مرگ زنده کرد و جان او را از جای مرده به قول حق تعالی برانگیخت.
6که پادشاهان را به هلاکت رساند و مردان شریف را از بستر ایشان.
7که توبیخ خداوند را در سینا و در حوریب داوری انتقام را شنید.
8که پادشاهان را مسح کرد تا انتقام بگیرند و انبیا را برای جانشینی پس از او.
9که در گردباد آتش و در ارابهای از اسبهای آتشین گرفته شد.
10کسانی که در زمان خود برای سرزنش مقرر شده بودند تا خشم داوری خداوند را آرام کنند ،پیش از آن که به خشم تبدیل شود ،و دل پدر را به پسر برگردانند ،و قبایل یعقوب را بازگردانند.
11خوشا به حال آنان که تو را دیدند و در عشق به خواب رفتند .زیرا ما قطعا زندگی خواهیم کرد.
12الیاس بود که با گردباد پوشانده شده بود ،و الیسوس از روح او پر شده بود ،تا زمانی که زنده بود ،از حضور هیچ شهریاری متاثر نشد و هیچ کس نتوانست او را مطیع کند.
13هیچ سخنی نتوانست بر او غلبه کند .و پس از مرگش بدنش نبوت کرد.
14او در زندگی خود معجزات کرد و در هنگام مرگ او کارهایش شگفت انگیز بود.
15زیرا همه این قوم توبه نکردند و از گناهان خود دور نشدند تا اینکه غارت شدند و از سرزمین خود رانده شدند و در تمام زمین پراکنده شدند ،اما قوم کوچک و حاکمی در خاندان داود باقی ماندند: .
16که برخی از آنان کارهایی را که پسندیده خدا بود انجام دادند و برخی گناهانشان را زیاد کردند.
17حزقیا شهر خود را مستحکم کرد و در وسط آن آب آورد و صخره سخت را با آهن کند و چاههایی برای آب ساخت.
18در زمان او سناخریب برآمد و ربسکاس را فرستاد و دست خود را بر صیون بلند کرد و با غرور فخر کرد.
19آنگاه دلها و دستهای ایشان لرزید و مانند زنانی که درد میکشند ،درد میکشیدند.
20اما آنها خداوند مهربان را خوانده ،دستهای خود را به سوی او دراز کردند و قدوس بی درنگ آنها را از آسمان شنید و آنها را به خدمت عیسی نجات داد.
21او لشکر آشوریان را زد و فرشته او آنها را هلاک کرد.
۲۲زیرا حزقیاس کاری را که خداوند پسندیده بود انجام داده بود و در راه پدرش داوود نیرومند بود ،چنانکه نبی عسی که در رؤیای خود بزرگ و وفادار بود به او امر کرده بود.
23در زمان او خورشید به عقب رفت و او عمر پادشاه را طولانی کرد.
24او با روحی عالی آنچه را که در نهایت اتفاق میافتد دید ،و آنانی را که در سیون عزادار بودند تسلی داد.
25او آنچه را که تا ابد اتفاق میافتد ،و چیزهای پنهانی و یا هر زمان دیگری را نشان داد.

مقاله49

1یاد یوشیا مانند ترکیب عطری است که با هنر داروخانه درست میشود :در همه دهانها مانند عسل شیرین است و در ضیافت شراب مانند موسیقی است.
2او در تبدیل قوم به انصاف رفتار کرد و زشتیهای گناه را از بین برد.
3او دل خود را به سوی خداوند معطوف کرد و در زمان بی خدا پرستش خدا را برقرار کرد.
4همه ،به جز داوود و حزقیا و یوشیا ،ناقص بودند ،زیرا آنها شریعت حضرت اعلی را ترک کردند ،حتی پادشاهان یهودا شکست خوردند.
5بنابراین قدرت آنها را به دیگران داد و جلال آنها را به قومی غریب.
6شهر برگزیده قدس را سوزاندند و کوچهها را بر اساس نبوت ارمیا ویران کردند.
7زیرا او را بدی میکردند که نبی بود و در شکم مادرش تقدیس شده بود تا ریشهکن کند و رنج دهد و هلاک کند .و تا او نیز بسازد و بکارد.
8حزقیال بود که رؤیای باشکوهی را دید که بر ارابه کروبیان به او نشان داده شد.
9زیرا او دشمنان را در زیر شکل باران ذکر کرد و آنها را هدایت کرد که راست میرفتند.
10و از دوازده نبی ،یادبود برکت داده شود ،و استخوانهای ایشان دوباره از جای خود شکوفا شود ،زیرا که یعقوب را تسلی دادند ،و ایشان را با امید مطمئن نجات دادند.
11چگونه زروبابل را بزرگ کنیم؟ حتی او مانند یک علامت در دست راست بود:
12عیسی پسر یوسدک نیز چنین بود که در زمان ایشان خانه را بنا کرد و معبدی مقدس برای خداوند برپا کرد که برای جلال جاودانی آماده شده بود.
13و در میان برگزیدگان نیمیا بود که شهرت او بسیار است ،که دیوارهای فرو ریخته را برای ما برافراشت و دروازهها و میلهها را برپا کرد و خرابههای ما را دوباره برافراشت.
14اما هیچ انسانی مانند خنوخ بر روی زمین آفریده نشد .زیرا او از زمین گرفته شد.
15و جوانی مانند یوسف به دنیا نیامد ،فرماندار برادران خود ،ساکن قوم ،که استخوانهایش نزد خداوند مورد توجه قرار گیرد.
16سم و شیث در میان انسانها از شرافت فراوانی برخوردار بودند و آدم نیز بالاتر از هر موجود زنده ای در آفرینش بود.

مقاله50

۱شمعون کاهن اعظم ،پسر اونیا ،که در زندگی خود دوباره خانه را تعمیر کرد و در روزگار خود معبد را مستحکم کرد.
2و به وسیله او از پایه بلندی مضاعف و قلعه بلند دیوار اطراف معبد ساخته شد.
3در روزگار او ،آب انبار آب ،که مانند دریا در قطبنما بود ،با صفحات برنجی پوشانده شد.
4او از معبد مراقبت کرد که سقوط نکند ،و شهر را در برابر محاصره مستحکم ساخت.
5او چگونه در میان مردم در بیرون آمدن از قدس شرافت یافت!
6او مانند ستاره صبح در میان ابر بود و مانند ماه در کامل شدن.
7مثل خورشیدی که بر معبد حق تعالی می تابد و مانند رنگین کمانی که در ابرهای درخشان نور می دهد.
8و مانند گل رز در بهار سال ،مانند نیلوفرهای کنار رودخانههای آب ،و مانند شاخههای درخت کندر در تابستان.
9مانند آتش و بخور در معطر ،و مانند ظرف طلای ضرب شده با انواع سنگهای قیمتی.
10و مانند درخت زیتون زیبا که میوه میدهد ،و مانند درخت سرو که تا ابرها میروید.
11هنگامی که جامه شرافت را پوشید و به کمال جلال ملبس شد ،هنگامی که به مذبح مقدس رفت ،جامه قدوس را محترم ساخت.
12و چون بخشها را از دست کاهنان گرفت ،خود مانند سرو جوانی در لیبانوس در کنار آتشگاه مذبح ایستاده بود .و همانطور که درختان خرما او را احاطه کرده بودند.
.13جمیع بنی هارون در جلال خود و هدایای خداوند در دست ایشان در حضور تمامی جماعت اسرائیل بود.
14و خدمت در مذبح را به پایان رساند تا هدایای خداوند متعال را زینت بخشد،
15دست خود را به سوی جام دراز کرد و از خون انگور ریخت و در پای مذبح بوی خوشی برای بلندترین پادشاه همه ریخت.
16پس پسران هارون فریاد زدند و شیپورهای نقرهای را به صدا درآوردند و صدای بلندی برای یادگاری در حضور حضرت عالی به گوش رسید.
17آنگاه تمام قوم با هم شتابان ،به روی زمین افتادند تا خداوند متعال ،خدای متعال ،را بپرستند.
18خوانندگان نیز با صدای خود مداحی میخواندند و صداهای بسیار متنوعی در آن ملودی شیرین ساخته میشد.
19و قوم خداوند متعال را با دعا در حضور او که بخشنده است التماس کردند تا اینکه عید خداوند به پایان رسید و خدمت او را به پایان رساندند.
20پس فرود آمد و دستهای خود را بر تمامی جماعت بنی اسرائیل بلند کرد تا خداوند را با لبان خود برکت دهد و به نام او شادی کند.
21و برای بار دوم سجده کردند تا برکتی از حق تعالی دریافت کنند.
22پس اکنون خدای همه را که فقط کارهای شگفت انگیز را در همه جا انجام می دهد ،که روزهای ما را از رحم مادر تعالی می بخشد و برحسب رحمت خود با ما رفتار می کند ،برکت دهید.
23او به ما شادی دل عطا میکند تا در ایام ما در اسرائیل تا ابد صلح باشد.
24تا رحمت خود را نزد ما ثابت کند و ما را در وقت خود رهایی بخشد.
25دو نوع قومی هستند که دلم از آنها بیزار است و سومی هیچ قومی نیست:
26آنانی که بر کوه سامره نشستهاند ،و آنانی که در میان فلسطینیان ساکن هستند ،و آن قوم احمق که در سیخیم ساکن هستند.
27عیسی پسر سیراخ اورشلیم در این کتاب تعلیم فهم و دانش را نوشته است که از دل خود حکمت میریخت.
28خوشا به حال کسی که در این چیزها تمرین خواهد کرد .و هر که آنها را در دل خود بگذارد ،عاقل خواهد شد.
29زیرا اگر آنها را انجام دهد ،در همه چیز قوی خواهد بود ،زیرا نور خداوند او را رهبری می کند که به پرهیزکاران حکمت می بخشد .تا ابدالاباد نام خداوند مبارک باد .آمین ،آمین

مقاله51

1دعای عیسی پسر سیراخ .ای خداوند و پادشاه تو را سپاس خواهم گفت و ای خدای نجات دهنده من تو را ستایش خواهم کرد.
2زیرا تو مدافع و یاور من هستی و بدن مرا از هلاکت و از دام زبان تهمتآمیز و از لبهایی که دروغ میسازند حفظ کردهای و یاور من در برابر دشمنان من بودهای.

3و مرا بر حسب انبوه رحمت و عظمت نام خود از دندان آنانی که آماده بلعیدن من بودند و از دست کسانی که جویای جان من بودند و از مصائب متعددی که من داشتم؛
4از خفقان آتش از هر طرف و از میان آتشی که من برافروختم.
5از اعماق شکم جهنم ،از زبان ناپاک و از سخنان دروغ.
۶با تهمت زبانی ناعادلانه به پادشاه ،جانم به مرگ نزدیک شد ،زندگی من به جهنم زیرین نزدیک شد.
۷از هر طرف مرا احاطه کردند و کسی نبود که به من کمک کند.
8پس به رحمت تو ،ای خداوند ،و بر اعمال تو فکر کردم که چگونه کسانی را که در انتظار تو هستند رهایی میبخشی و آنها را از دست دشمنان نجات میدهی.
۹آنگاه دعاهای خود را از زمین بلند کردم و برای رهایی از مرگ دعا کردم.
10خداوند ،پدر پروردگارم را خواندم تا مرا در روزهای سختی و در زمان مغروران که هیچ کمکی نبود ،رها نکند.
11نام تو را پیوسته ستایش خواهم کرد و با شکرگزاری تسبیح خواهم گفت .و دعای من مستجاب شد:
12زیرا که مرا از هلاکت نجات دادی و از زمان بد رهایی بخشیدی ،پس شکر میکنم و تو را ستایش میکنم و خداوندا نام آنها را برکت میدهم.
13هنگامی که هنوز جوان بودم یا به خارج از کشور رفتم ،آشکارا در دعای خود حکمت را می خواستم.
14من در حضور معبد برای او دعا کردم و او را تا آخر جستجو خواهم کرد.
15حتي از گل تا رسیدن انگور دل من به او خرسند شد :پاي من به راه راست رفت و از جواني به دنبال او بودم.
16گوش خود را اندکی خم کردم و او را پذیرفتم و بسیار آموختم.
17من در آن سود بردم ،پس به کسی که به من حکمت می دهد جلال خواهم داد.
18زیرا من تصمیم گرفتم که پس از او انجام دهم و با جدیت از نیکوکاری پیروی کردم .پس من نباید گیج شوم.
19جان من با او کشتی گرفت و در اعمال خود دقیق بودم :دستان خود را به آسمان بالا دراز کردم و از نادانی خود از او گریستم.
20من روح خود را به او رهنمون کردم و او را در پاکی یافتم .از ابتدا قلبم با او پیوند خورده است ،بنابراین پیش بینی نخواهم شد.
21دل من در جستجوی او مضطرب شد ،بنابراین دارایی خوبی به دست آوردم.
۲۲خداوند برای پاداش من زبانی به من داده است و با آن او را ستایش خواهم کرد.
23ای نادانان به من نزدیک شوید و در خانه علم ساکن شوید.
24چرا شما آهسته هستید ،و به این چیزها چه می گویید ،زیرا روح شما بسیار تشنه است؟
25دهانم را گشودم و گفتم :او را بدون پول برای خود بخرید.
26گردنت را زیر یوغ بگذار و بگذار روحت تعلیم یابد زیرا یافتن او سخت است.
27با چشمان خود بنگرید که چگونه کار کمی دارم و به من استراحت زیادی رسیده است.
28با پول هنگفتی یاد بگیرید و از او طلای زیادی بگیرید.
29روح شما در رحمت او شاد شود و از ستایش او خجالت نکشید.
30کار خود را به موقع انجام دهید و او در زمان خود پاداش شما را خواهد داد.